

# شکست "رفراندوم" اعلام نشده حزب جمهوری اسلامی

شده نشان ما تشدید بحران اقتصادی، رشد و افزایش نارضایتی بوده ها، حجت با بی نظاهای درونی هیئت حاکمه و در یک کلام ورشکستگی اجتماعی - اجتماعی و سیاسی دولت جمهوری اسلامی را هیبتی ۱۵ خرداد جلوه ای دیگر از ورشکستگی رژیم بود. حزب جمهوری اسلامی که اکنون پس از تسخیر بسیاری از اهرمهای قدرت در یک بن بست ناتوانی قرار گرفته است و بسا گذشت هر روز به پرتگاه سقوط اجتناب ناپذیر نزدیکتر می گردد، در سالروز ۱۵ خرداد تلاش بسیار بجرح داد تا بهر قیمت که

شده نشان ما تشدید بحران اقتصادی، رشد و افزایش نارضایتی بوده ها، حجت با بی نظاهای درونی هیئت حاکمه و در یک کلام ورشکستگی اجتماعی - اجتماعی و سیاسی دولت جمهوری اسلامی را هیبتی ۱۵ خرداد جلوه ای دیگر از ورشکستگی رژیم بود. حزب جمهوری اسلامی که اکنون پس از تسخیر بسیاری از اهرمهای قدرت در یک بن بست ناتوانی قرار گرفته است و بسا گذشت هر روز به پرتگاه سقوط اجتناب ناپذیر نزدیکتر می گردد، در سالروز ۱۵ خرداد تلاش بسیار بجرح داد تا بهر قیمت که

## سرمقاله

### دوتا کتیک در برخورد با انقلاب ایران

شرایط کنونی جامعه ما که عرصه درگیریها و کشمکشها می باشد، با انقلاب و ضد انقلاب از یک سو و درگیریها و درونی اردوگاه ضد انقلاب از سوی دیگر است. شرایطی بسیار بحرانی و پیچیده را پدید آورده است. در این شرایط اتخاذ سیاستهای درست و تاکتیکی یکا ملاً انقلابی از سوی ما زمانها و گروههایی انقلابی بصورت یک مسئله جدی و حیاتی در آمده است، که با توجه به خود ویژگی لحظه کنونی اتخاذ تاکتیک محوری یک مرحله ای بصورت امری تعیین کننده در اتخاذ تاکتیکهای لحظه ای در آمده است. ما امروز در شرایطی بسر می بریم که از یک سو توده ها می کوشند در مقابل ضد انقلاب و یورشهای پی در پی نه تنها از دست آوردهای انقلابی خود دفاع کنند بلکه انقلاب را بطریق دهند و از سوی دیگر ضد انقلاب مدام در تلاش بوده هست تا پیوسته آوردهای انقلابی توده ها را یکی از آنها با زستاند، مدام پیرویهایی نوینی کسب کند، موقعیت خود را مستحکم سازد و انقلاب را بشکست قطعی سوق دهد بقیه در صفحه ۲

### در مقابل سیاست سرکوب و اختناق و محو کامل آزادی مطبوعات به مقابله ببخیزیم

## گرامی باد سالروز انقلاب عمان

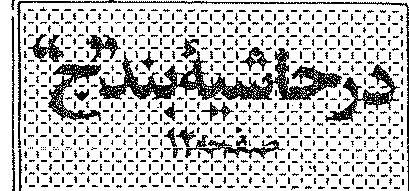
۲۹ ژوئن ۱۹۶۵ در تاریخ خلق عمان و همه زحمتکشان منطقه عربی خلیج با آغاز حماسه آفرین جنبشی است علیه ستم استعماری و مظاهر خونسخت با رسلطه ارتجاعی که اگر چه دوران اش از نظر تاریخی سر آمده است اما جیره خواران و ایادی دستنشانده امپریالیسم برای غارت ثروتهای خلقهای تحت ستم در حفظ آن مدبوحانه می کوشند. عهد جهل و فقر و مرض و سردگی عهد سلطه فسیلگی و عقب ماندگیهای فزون و سطاتی. آغاز و تداوم جنبش ۲۹ ژوئن به رهبری جبهه خلق برای آزادی عمان همراه بود با برآمدن روحیه انقلابی، ستیزه جو و ضد امپریالیست علیه فساد استبداد، ستم و استعمار سلاطین و امیران و اربابان بقیه در صفحه ۱۸

### در این شماره

- جنبش جهانی
- پاسخ به سئوالات
- ۹ خرداد ۵۸ چهارشنبه سیاه
- خودکفائی ضد امپریالیستی به سیاق دولت رجائی

## گرامی باد سالروز اعتصاب شکوهمند کارگران کوره پزخانه های تهران در خرداد ۱۳۳۸

۲۲ سال پیش در ۲۳ خرداد ۱۳۳۸، سی هزار کارگر کوره پزخانه های تهران بعنوان اعتراض به شرایط طاقت فرسای کار و زندگی و برای ۳۵٪ اضافه دستمزد، تمام کوره ها را خاموش کردند و زنگ اعتصابی پر شکوه را بمداد آوردند. اعتصابی که بزرگترین و مهمترین اعتصاب کارگری بعد از زکدای نسکین مرد ۱۳۲۲ بود. این اعتصاب عظیم کارفرمایان غارتگر و رژیم حامی آنان را آنچنان به وحشت انداخت که با تمام ابزار سرکوب خویش (پلیس ساواک، زندان و ارتش) شبانه به کوره ها یورش بقیه در صفحه ۳



# نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و یابگاه داخلیش

## دوتا کتیک در برخورد با انقلاب ایران

بفصله از صفحه ۱

افت نکرده است. کسی که اندکی شعور داشته با عدم صداقت که چشش شده ای اکنون در یک دوران رکود سیاسی بسر نمی برد و نه تنها اشکال کامل انقلابی ما رزه در حرسان - است، بلکه مدا ما توجه به بحران اقتصادی و سیاسی موجود مدام حتما انداز کمترین و ارتقاء آن بیشتر می شود. کارگران پیسی گهرا شاه و مضمنا نه عمیا رزه داد ما می دهند، اعتصابا بت پی درسی، درگیریهای حصاد با مدیران و انجمنهای اسلامی، دفاع از شوراها و انقلابی، مدا خله فعال در امور کارخانه، کنسول تولید و دریا راه ای موارد کارخانه، علاقه آنها در پی گیری در بحسب های سیاسی نمونه ها شی اوضاعیت میا رزائی کارگران است. دهقانان هنوز در بسیاری موارد زمینها شی را که بشیوه ای انقلابی مصادره کرده اند در اختیار دارند. با تمام شیروا حقوق خود دفاع میکنند، و هنوز چنین انقلابی آنها افت نکرده است. هنوز طبقه ای تحت ستم ایران از جمله سه خلق های کرد و ترکمن مضمنا نه ازدست آورده های انقلابی خود دفاع می کنند و به اشکال بسیار عالی میا رزه دست می یازند. علی رغم یورشهای گسترده و بی در پیی ها که کمیت به آزادیهای سیاسی و حقوق - دموکراتیک با زهم بطور قطعی توفیق نییافته است که این دست آوردها را بکلی از بین ببرد. هنوز قیامهای محلی در اینجا و آنجا بوقوع می پیوندد. هنوز توده های مسلح اندو با لآخره تصادها ی دزونی هیئت حاکمه، بحران در با لاتیها و ضعف توانایی در میا ر کردن امور خود با رزترین دلیل برای ما است که ضد انقلاب نتوانسته است سلطه بلامنازع خود را بر انقلاب - تا مین کند و انقلاب را بشکست قطعی سوق دهد و امروز نیز این روند همچنان در حال تداوم است. بحران اقتصادی نه تنها فروکش نکرده، بلکه اوجوبینی با فتنه نتایج حاصل از این بحران بزرنگی شده ها بیش از پیش آنها را بعرضه مبارزه آشکارا سوق داده و می دهد. و آنها را و در روبروی رژیم قرار میدهد. خلاصه تمام شواهدی که بر شمردیم نشان می دهد، علی رغم اینکه با قیام توده ها قدرت دوباره به دست ضد انقلاب افتاد، اما هنوز انقلاب با شکست قطعی روبرو نشده، و انقلاب نیمه کاره با قیام توده ها است. تکمیل انقلاب چون وظیفه ای فوری در دستور روز قرار دارد و خود دویزگی شرایط پس از قیام را کثاکش و درگیریهای انقلاب و ضد انقلاب تشکیل می دهد. یک چنین شرایطی بسخوی صریح وظایف نیروها و انقلابی و تا کتیک محوری آنها را روشن میکند.

این شرایط که همراه با افت و خیزهای در مبارزه انقلابی بوده ها و تنگناهای بیرونیهای تا کتیک بوده است، مدام شیروا و سایر مایه های انقلابی را در ازبانی خود دویزگی لحظه کنونی و سروسنت انقلاب دچا سردرگمی و ابهام نموده است و منطق با آن تا کتیکها یغالیبا "منساقی وضد یکدیگر" اتخاذ کرده اند. اکنون برای - رهائی از این سردرگمی و ابهام با بیدهر سازمان انقلابی با شی صریح با منساقی شده که کدام تا کتیک با بد محور تا کتیکها و فعالیتهای ما قرار داده شود و کجا موطیعه، اکنون بعموا نوظیفه ای فوری در برابر ما است: تا کتیک تفرقی با عقب نشینی و طبقه تکمیل انقلاب و با لنتیجه راه انقلاب با راه قانونیت یورژوئی. با شی به سرنوشت انقلاب ایران در لحظه کنونی و خود دویزگی لحظه کنونیست بعمارت دیگر منظور با سخکوشی به سئوالا ت فوقا لندکر با بد با بین سئوالا ت با سخ داده شود که آیا روحیه انقلابی توده ها فروکش کرده - است؟ آیا رکود سیاسی با لنتیسه طولانی بر جنبش حاکم شده است؟ آیا اشکال کامل انقلابی جنبش بطور کلی فروکش کرده است؟ آیا در آینده ای نزدیک نمیتوان شا هد خیزش نوین و اشکال کامل انقلابی جنبش توده ها بود؟ آیا تمام مبارزات - انقلابی توده ها با شکست روبرو شده است؟ آیا دست آورده های انقلابی مرحله پیشین جنبش توده ها با زپس گرفته شده و با لآخره آیا ضد انقلاب بطور قطعی و متمرکز متغیر شده است و انقلاب با شکست قطعی روبرو شده است؟ و یا با لعکس نه تنها روحیه انقلابی توده ها فروکش نکرده است، نه تنها از رکود سیاسی با لنتیسه طولانی نمی توان سخنی بمان آورد بلکه اشکال کامل انقلابی جنبش و احیا، نوگسب در جنبش انقلابی توده ای و اشکال مبارزه عالی تر در چشم انداز قرار داد روبا بد رکودهای موقتی و کوتاه مدت را در پیرو سه جنبش انقلابی توده ای یوقفا ای کوتا ه و اجتناب با بدیدر روند رنده مبارزات اعتراضی و آشکارا انقلابی توده ها بحساب آورد. نه تنها تمام مبارزات انقلابی، اعتراضات و قیامهای توده ای با شکست روبرو نشده که هنوز در جریان است، نه تنها دست آورده های انقلابی مرحله پیشین جنبش بطور کلی مورد یورش و دست بردهای ضد انقلاب قرار نگرفته است که هنوز بخشی از آنها در دست توده ها است. نه تنها ضد انقلاب بطور قطعی، متمرکز و همه جا نیسه متغیر نشده، بلکه پراکنده و نتوان است. خلاصه نه تنها انقلاب با شکست قطعی روبرو شده، بلکه در جریان است و وظیفه تکمیل آن بعموان و طبقه ای فوری در دستور قرار دارد.

بر کسی پوشیده نیست که طی نزدیک به دوسالوا اندی پس از قیام علی رغم تلاشهای ضد انقلابی ها کمیت و سرکوب توده های مردم، هنوز جوش و خروش انقلابی بر جنبش حاکم است، و روحیه انقلابی توده ها در مجموع

رسا در هر انقلاب نیمه کاره و وظایف سروهای انقلابی و تا کتیک آنها، تکمیل انقلاب و تعرضی است. این تجربه ای است که انقلابهای نیمه کاره سوزمان انقلابی ۱۸۴۸ و انقلاب دموکراتیک ۱۹۰۵ - روسیه ما می مورند و سنا بگدا را نکسر سوسا لیم علمی را محسوس می نمود. نه یک چنین شرایطی حکم میکند که با بد در راه سوو دادن انقلاب بملوگا مبردا نت. با بد سنا رها ی انقلابی، شعرا سورا هم، شعرا رخود محاری، شعرا رعنا و مت در برابر خلق سلاج توده ها، شعرا رها ی انقلابی جنبش دهقا سوو... را بی گهرا نه طرح کرد و پیش برد. نه تنها توده ها را بدقا و مت در برابر خلق سلاج عوب کرد، بلکه با بد در هر گام به تسلیح توده ها و آموزش نظامی آنها همت گماشت. با بد در حیت تقویت روحیه انقلابی توده ها گام برداشت و از اینکجه اینجا و آنجا و با دز مرحله ای کوتا ه در میا رزات توده ها رکود میا حل می شود، آیه یاس سر نداد. با بد در مسیری گام بیشتر داشت که راه را برای جنبشهای خودا نگخته اعتراضی توده ها هر چه گسترده تر هموار کند. با بد تسلیح سراسری و همه جا نیسه ای - را سا زمان داد و هر لحظه و همه جا در میا رزات توده ها حضور داشت. در حیت - ارتقاء این مبارزات تلاش نمود. این راه اندا و ما انقلاب، راه تکمیل آن و راه تا مین گنا فح، خواستها و آرمانهای - توده ها است تا کتیک ماکه هما با از خود دویزگی اوضاع کنونی و سروسنت انقلاب تا کتیک می شود، تا کتیک تعرضی است. این تعرض با بد خود را در همه عرصه ها از حضور سیاسی فعال، بخترا اعلامیه، موضع گیریهای صریح و راه طلبهای عملی برای اشکال جنبش تا طرح شعارها ی انقلابی و تدارک و اجرای اشکال کامل انقلابی مبارزه و جنبش نشان دهد. اما با بد در نظردا شد هنگامیکه از تا کتیک تعرضی سخن می گوئیم بدین معنا نیست که در اتخاذ تا کتیکها ی لحظه ای خود ملاحظات متعدد را در نظر گرفت. به رو حیات توده ها، توازن قوای طبقاتی و موقعیت طبقات مسلط و تا کتیکها ی آنها در لحظه مفروض توجه نداشت، بلکه مراد اینست که با بد تمام تا کتیکها ی لحظه ای، عقب نشینی و تعرض لحظه ای، تا کتیکها ی بظا هر قانونی در خدمت این تا کتیک - محوری باشد. تا زمانیکه معتقد شدیم که ایم که انقلاب با شکست قطعی روبرو شده است این تا کتیک و تدارک لازم برای اشکال مبارزه کامل انقلابی توده ها و طرح شعارها ی انقلابی نه تنها اصولی است، بلکه ضروری و اجباری است.

اما در جنبش انقلابی ایران، گروهها و افرادین نظیر ما که ارکزیما فت می شوند که در یک کلاف بیچیده تناقضات و ابهامات بسر می برند، از شکست انقلاب سخن می - رانند، اما خواسته ها ناخواسته تا کتیکهای تعرضی را پیش می گیرند. از شکست انقلاب سخن می گویند، اما از مبارزه مسلحانه برحق و عادلانه خلقها ی ایران سخن می -

بفصله از صفحه ۱۷

# استقلال - کار - مسکن - آزادی



# اضافه نکردن حداقل دستمزد کارگران افزایش سود سرمایه داران است

هر روز که میگذرد ما هیت ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش آشکار میشود. صدور آئین نامه ها، تصویب قوانین ضد کارگری و سرکوب کارگران - برای محدود کردن یا پایدال نمودن حقوق ابتدائی آنها، اکنون و سیمما - از سوی رژیم جمهوری اسلامی بکار گرفته شده است. در پی لافوفا نون سود ویژه و سیمما کاهش بخشی از دستمزد نا چیز کارگران، اخیراً رژیم سیاست خویش را در مورد دستمزدها در سال جاری نیز ایوم نمود. سه تن از - معاونین و زارت کار در توضیح این سیاست طی مباحثه ای اعلام داشتند که "حداقل دستمزد و پایدال به دستمزد کارگران بهمان میزان سال گذشته ثابت مانده، مقدار ۴ تومان بعد از یکسال بعنوان پایه یا سنوات به دستمزد کارگران اضافه شده و بلااخره مبلغ ۲۰ تا ۶۰ ریال بر اساس ضوابطی به کارگران تعلق میگردد. بدین ترتیب در حالیکه تورم کمبود پیدا میکند، و در حالیکه کارگران هر روز بیشتر با فقر و گرسنگی مواجهند و بلااخره در حالیکه به قیمت کالاها نسبت به سال گذشته چندین برابر اضافه شده است، حداقل دستمزد کارگران هم چنان بمیزان ۶۳۵ ریال ثابت مانده است. آیا این بجز کاهش قدرت خرید کارگران و یا کم شدن دستمزد واقعی آنان چیز دیگری است؟ در شرایطی کنسبه سرمایه داران با احتکار و گران کردن کالاها سودهای کلانی به جیب میزنند، سهمنا چیز کارگران از تولید یعنی دستمزدشان بایداکاهش یافته، و بسیار کمتر از میزان واقعی آن باشد. این اقدام کام دیگری است در پایدال نمودن حقوق حقه کارگران، گام دیگری در انتقال اثرات بحران عظیم اقتصادی بردوش کارگران و خلاصه گام دیگری در افزایش استثمار کارگران و افزایش سود سرمایه داران.

اما بنینیم عوامل رژیم در توجیه این سیاست ضد کارگری خویش به چه بهانه هایی متوسل شده اند. "مهمانچی معاون وزارت کار سرمایه داران میگوید که "شورای پایدالی کار سیاست داشتن کار را در اندک متر بهتر از نداشتن کار است" در نظر داشته است. (جمهوری اسلامی پنجم خرداد) و در جای دیگر می افزاید که "ما بخواهیم قیمت کالاها را ثابت نگهداریم و دستمزدها را افزایش دهیم منجر به این خواهد شد که کارفرما نیروی کار خود را کاهش داده و کارگران را اخراج کند." (همانجا) به زبان دیگری میگوید: "در شرایطی که به سرعت نظام سرمایه داری

خیل عظیمی از بیکاران در جامعه حضور دارند، و از آنجا که این حق سرمایه داران است که در دولتها سرمایه داری بمیزان بود خود بیافزایند! کارگران بایا بد به دستمزد کمتر قانع نباشند بیچاره بمانند. آیا بهتر از این میشود از منافع سرمایه داران دفاع کرد؟ دستمزد هست یا بد کمتر از میزان واقعی آن باشد، چرا که در غیر این صورت کارفرما با توجه به نیروی کار آسان و موجود در جامعه میتواند کارگران را اخراج کند و از دست دولت هم کاری بر نمی آید! بدین ترتیب او ادعا میکند که دولت بوسیله سرمایه داری همواره وظیفه ای بجز دفاع از منافع سرمایه داران بهر شکل و تحت هر پوششی ندارند. "مهمانچی" این عامل سرمایه داران در جای دیگر از سخنان خود میگوید که ثابت ماندن دستمزدها "ضمن کاهش تورم هم از آنها حجت روستا ثبها جلوگیری میکند. در اینجا ما وارد این بحث که ثابت ماندن دستمزدها، اصولاً چه تا شیری در کاهش تورم دارد، نمیشویم، اما در حالیکه تنها در سال گذشته معدودی از تجار گران کلفت با حمایت حزب جمهوری اسلامی با احتکار و گران کردن کالاها و... ۱۲۰۰ میلیارد تومان از دسترنج زحمتکشان غارت کرده اند، رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد با کاهش دستمزد نا چیز کارگران جالی تورم را بگیرد. آیا آشکارتر از این میشود ما هیت ضد کارگری خود را رو کرد؟ از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی که نخواسته و نتوانسته به هیچیک از خواسته های روستا ثبها پاسخ دهد و بهیچوجه در وضعیت آنها ایجا دعما بد، میکوشد با کاهش دستمزد میلیونها تن کارگران میهنمان و به بهای فقر و گرسنگی آنها، با اصطلاح از مها جرت روستا ثبها جلوگیری کند. چنین است عملکرد رژیم که از شب در دستگا ههای تبلیغاتی تمس از اصطلاح "مستفقین" دم میزند! و در عمل از منافع سرمایه داران حمایت میکند.

و در جای دیگر میگوید "مبلغی معادل ۲۰ تا ۶۰ ریال هم با مشورت کمیته ای - متشکل از نماینده کارگری شورای اسلامی سرپرست کارگاه و کارفرما به حقوق روزانه کارگران و افزایش تولید در قسمت تشویق کارگران و افزایش تولید در تفاوت گذاشتن بین مهارتها و کیفیتها است." (همانجا) و بلااخره "معمد رضائی یکی دیگر از معاونین وزارت سرمایه نسبت اصلی قانندگان را آشکارتر ساخته و میگوید این مبلغ "بر اساس شایستگی و لیاقت به دستمزد کارگران -

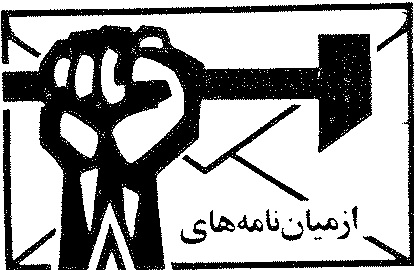
بقیه در صفحه ۱۶

## گرومی باد سالروز اعتصاب شکوه مند کارگران کوره پزخانه های تهران در خرداد ۱۳۳۸

بقیه از صفحه ۱  
برندند و در خیمانه کارگران قهرمان کوه - پزخانه ها زنان و فرزندان نشان را به رکباز کلوله بستند و بیش از ۵۰ نفر از کارگران را به شهادت رسانده و دهها نفر را زخمی و سز - داشت کردند.

این اعتصاب از پشتیبانی کارگران و زحمتکشان و دانشجویان مبارز برخوردار بود و فعالین جنبش کارگری آن زمان از جمله رفیق شهید محمد چوپا نژاده (اوس صمد) تا آنجا که در تون داشتند در سازمان - دهی اعتصاب کوشیدند. رفیق در جریان اعتصاب بهنگام پورش پلیس با زداشت و مدت دو سال در زندان قزل قلعه بسر برد. اگر کارگران و زحمتکشان در رژیم شاه و حسیانه سرکوب میشدند اکنون رژیم جمهوری اسلامی نیز در پی حفظ منافع سرمایه داران با سختی سرکوب سرمایه خواهان کارگران و توده های زحمتکش نمیدهد. سرکوب اعتصاب کارگران - کوره پزخانه های خاتون آباد تهران و قرچک و رامین برای اضا ف دستمزد در مبنای افزایش هزینه های زندگی در ۱۷ اردیبهشت و موقبله با اعتصاب کارگران کوره پزخانه های بیروجر در ای ۷۰٪ ضافه دستمزد و بهبود شرایط کار در ۱۹ اردیبهشت و همچنین تقابل با اعتصاب کارگران - کوره پزخانه های هیدان برای افزایش دستمزد در خرداد ماه امسال (۶۰٪) آخرین نمونه های پاسخ رژیم جمهوری اسلامی است. رژیم جمهوری اسلامی که هر روز بیشتر از روز پیش از پایدالی سگوشی به نیا زهای اولیسه کارگران و زحمتکشان عاجز و ناتوان - میگردد لذا بنا به ما هیت نظامی سرمایه - داری هر چه بیشتر به سرکوب روی می آورد. اما تا ریخ میا رزات کارگران و خلقهای جهان نشان میدهد و اعتصاب کارگران کوره پزخانه ها نیز تا کیدی انت سرانگه سرکوب، شرور و اختناق هرگز نخواهد توانست سد راه مبارزات حق طلبانه کارگران و توده های زحمتکش گردد. کارگران میهن ما با درس آموزی از تجارب گرانیهایی جنبش کارگری - کمونیستی ایران و - جهان هر روز تجربه بیشتری اندوخته و پیگیرانه برای ایجاد تشکیلات انقلابی و آهنین خویش، آنچنان تشکیلاتی که بتواند رهبری مبارزات توده ها را در دست بگیرد و آترابه پیروزی رساند به پیش میروند. با درس آموزی از مبارزات شکوه مند کارگران کوره پزخانه ها، خا طره اعتصاب دلیرانه آنها و یادشدهای قهرمان کوره - پزخانه ها را گرومی بداریم.

# افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران



از میان نامه‌های

# کارگران

## ● نامه يك کارگر از زندان

در پی اعصاب و اعراضاتی که در سال پیش بخاطر سودویزه و ساعت کار و انحراف نورا صورت گرفته بود و همچنین در اثر ناراضی‌شدنی که همچنان سینه کارگران در جریان بود، شورای فیرما بی‌کارخانه دست در دست مدیریت ویا کمک سیاه و دادستانی انقلاب (فدا اعصاب) دست به سینه‌سازی و تعقیب وبتیس عقاید و غیره زدند و به کمک کاسه لیسان بی‌حیثیه و مواجسان (حزب نوده حاشی) سعادی از کارکنان مبارزان ساشی کردند. در این رابطه روز... فروردین ساعتجد و در... بعد از ظهر چهار نفر از کمیته که مسلح به کلت بودند مرا از کارخانه با حکم دادستانی دستگیر و سه سادهماهنگی بردند. آنها اجازه ندادند که به خانواده ام اطلاع دهم. وقتی وارد کمیته شدم یکی از اعضای مزدور - شورای کارخانه را دیدم که در حیات کمیته اسناده بود، با او گفتم: "پس شما گفتید مرا دستگیر کنید". او شوکه شد و گفت: "نه، نه، حدود... روز در آن فک تا ریک و کشیف زندانی شدم که هر شب و هر روز تعدادی را به خاطر معنای بدون ویا دزدی و غیره به آنجا می‌آوردند. در طول این مدت دوبار از من بازجویی کردند. یکبار یکی از افسران ساد بود که کارش شنا ساشی عاصم مبارزو انقلابی داخل کارخانه است و با ردیگر رئیس آنها. محکومیت من از قول بازجو راه انداختن اعتماد، تحریک کارگران وپخش اعلامیه و غیره بود. مدارکی که از من داشتند شهادت یک نفر بوده‌ای‌ها شن بود و همچنین شهادت تعدادی از افراد - انجمن اسلامی و شورا و مزدوران دیگر. من در بازجویی زیر بار هیچ چیز نرفتم و هیچکدام از این اتهامات را قبول نکردم. با ردوم با ازجویی بیشتر سئوالاتی بود در مورد وضع خانواده‌ی، در طول این مدت یکبار اجازه حمام رفتن دادند و روزنامه نیز زمین سمیدادند و بخاطر آنکه هر روز - خانواده ام به کمیته می‌آمدند مجبور شدند اجازه ملاقات بدهند. البته بعد از چند روز، بعد از چندین روز مرا با تعدادی سادار - مسلح به دادستانی انقلاب تحویل دادند و چند روز هم در زندان دادستانی در بند انفرادی زندانی شدم. نه اجازه ملاقات داشتم، نه یمن روزنامه میدادند و نه مرا بیرون میدادند. بعضی روزها سه نوبت وکاهی و سوبیت جهت رفتن به توالیت مرا از سلول بیرون می‌بردند. دوسه روز نیز یکی از زندانسانان صبح زود مرا برای - صحابه از زندان بیرون برد که هر بار ۱۵ دقیقه طول کشید. بعد از چند روز به زندان عمومی منتقل شدم و حدود ۱۴ روز است در بخش عمومی زندانی هستم و هنوز دادگاهی نشده‌ام..."

# اوباشان رژیم جمهوری اسلامی مجمع عمومی تشکران جنگزده شیراز را خون کشیدند

رژیمی که در حرف ادعا می‌کند که ۳۵ - میلیون تن دارداما در عمل مجمع عمومی تشکران جنگ زده شیراز را خون می‌کند اما جالب است بدانند که در همین حمله اوباشان نه مجمع کارگران و فنی کارگری موفق میشوند درگیری‌های مبارزانه را سرورازا و یکسیر دنیا سارا حاضر در صحنه بلافاصله گلنگدن کشیده و لوله اسلحه را روی شقیقه کارگر فرار داده و می‌گویند: "اکبر دست به او برسی مغزت را داغون می‌کنم"، و بدین ترتیب یکبار دیگر مشخص میشود که سازمانده و حامی واقعی زخمیکشان و فقه بدستان حزب اللهی کیست! و یکبار دیگر آشکار میشود که رازل و اوباش حزب اللهی با جاقووز نجیر و پنجه بوکس حمله می‌کنند، پاسداران حما میت می‌نمایند و سران رژیم جمهوری اسلامی بر تپاه ریز می‌کنند تا نظام سرمایه‌داری پابرجا ماند.

اکنون کارگران پیتر و شوراهای انقلابی کارخانجات موظفند به حمایت از شورای کارکنان جنگ زده صنعت نفت شیراز بپردازند و برای احیاء مجدد آن آزادی‌مطلبان و کارگران دستگیر شده با تمام توان خود بجوشند. اگر در جهت اتحاد هر چه - بعتر با یکدیگر تلاش نکنیم، اینچنین وضعیتی در انتظار نمایم شوراهای واقعی دیگر نیز می‌بایند. پس با کام‌های سنجیده به پیش!

روز چهارشنبه ۶۰/۲/۶ حدود ۴۰۰ نفر از افراد حزب اللهی در حمایت پاسداران سا جاقووز نجیر و پنجه بوکس به مجمع عمومی کارکنان جنگ زده صنعت نفت در شیراز وحشیانه حمله کردند. اوباشان حزب اللهی پس از اینکه بشدت کارگران را مورد ضرب و جرح قرار میدهند ۳۰ نفر از نمایندگان و ۴ کارگر توسط پاسداران دستگیر و روانه زندان می‌گردند.

رژیم جمهوری اسلامی که بنا بر ماهیت ضد کارگریش از وجود شوراهای انقلابی و حشمت مرگ دار دنیا تمام قوا به نایب بودی این شوراها برخاسته است، و برخلاف فریادها شیکسه در حمایت از "مستضعفین" سر میدهد، در عمل نه تنها حامی آنها نیست، بلکه میکوشد تا هر گونه حرکت حق طلبانه کارگران را نیز در نطفه خفه نماید. این رژیم هم‌اکنون در کارخانه‌ها مبارزات شوراهای انقلابی برای دریافت خواسته‌های برحق کارگران را سرکوب می‌کند، در مناطق آوارانه نشین، نیزجهت نابودی شوراهای جنگ زده تلاش برای بهداشت - مسکن و نان برای اوارگان می‌باشند از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد. بیورش وحشیانه به مجمع عمومی تشکران جنگ زده مستقر در شیراز زخمی زده‌ای دیگر است برای افسان چهره این رژیم با صلاحات سیاسی "مستضعفین" رژیمی که بنا به ما هیئتش نمی‌تواند تشکیل شده‌ها در شوراهای انقلابی برای حاکمیت بر سر نوشت خویش را بیدارد.

## فرمانداری لنگرود، متحد محترمان، علیه نوغانداران

دهقانان زحمتکش به محض اطلاع از این حرمان روز دوشنبه بیست و یک اردیبهشت با جمعی قریب به دوهزار نفر، متشکل و مصمم حتم انقلابی خود را با حضور یکبارجه در فرمانداری لنگرود بنمایش میکشیدند و خواهان دستگیری و محاربات مسئولین امر میشوند و فرماندار را تهدید میکنند که در صورت عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان، فرمانداری را به آتش خواهند کشید. فرماندار ترسان از این احاد و همسنگی صمن عقب نشینی در مقابل خواسته‌های دهقانان محبوره دستگیری دو نفر از مسئولین اداره می‌کند. بحربه فوق به دهقانان لنگرود آموخت که دولت خود بزرگترین عامل کارنی و احکارات و همچنین این حقیقت را با ردیگر اسات کرده که تنها احساس زحمتکشان و عمل مستقیم آنان ضامن پیروزی آنهاست.

در این راستا دهو داران سازمان درودرس اعلامیه‌ای منتشر کرده و در آن ضمن درج - مطالب فوق از مبارزات دهقانان لنگرود پشتیبانی کرده و خواهان احاد شوراهای انقلابی شده‌اند.

حرکت یکبارجه دهقانان نوغاندار لنگرود (بیرونی دهندگان کرم برشم) در اعتراض به سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی به پیروزی رسید.

بیرونی کرم ابریشمی یکی از مناسبت - تولیدکننده و رزی کیلان است که بخشی از دهقانان زحمتکش کیلان هم‌ساله در کنار دیگر فعالیتهای کشاورزی به آن مشغولند در رژیم قبلی توزیع تخم نوغان از طرف دولت بین دهقانان همواره بشکلی - نامعادلانه صورت میگرفت. سال گذشته قیمت دولتی تخم نوغان جمعی‌ای ۶۵۰ - ریال بود که امسال به ۷۵۰ ریال افزایش یافت. امسال نیز طبق معمول هم‌ساله، نوغانداران لنگرود منتظر توزیع تخم نوغان می‌شوند ولی از توزیع خبری نمی‌شود و وقتی به اداره نوغان لنگرود مراجعه میکنند از طرف مسئولان اداره به آنسان گفته می‌شود که بعلت فاسد شدن تخمها، دهقانان باید مدتی صبر کنند. ولی پس از مدتی دهقانان متوجه میشوند که تخم - های به اصطلاح فاسد شده در بازار سیاه به بهای جمعی‌ای ۱۵۰۰ ریال بفروش می‌رسند و حتی تا ۴۰۰۰ ریال هم رسیده است.

لندن

راهپیمائی بیکاران و بحران روز افزون امپریالیستی

بیکارانی که روز اول ماه مه به شانۀ اعتراض به سیاست های اقتصاد دولتی تا چروخموما "مسأله بیکاری و بزه ترازی" را هیمائی خود را از لیورپول آغاز کرده بودند بعد از یکماه به لندن رسیدند. این راهپیمائی با استقبال بیش از ۳۰۰ هزار تن از کارگران و زحمتکشان ساکن لندن و اعلام همبستگی راهپیمایان با کارگران مهاجر ایرانیان یافت. اعلام همبستگی با کارگران مذکور از این رو حا شز اهمیت است که دولت انگلیس منحوا نه میکند برای باصطلاح بحران اقتصادی و مقابله با اعتراضات بزرگی به وضع قوانین نژادپرستانه ای جهت اخراج مهاجرین میان کارگران بومی و غیربومی که سالهاست در کناری یکدیگر توسط

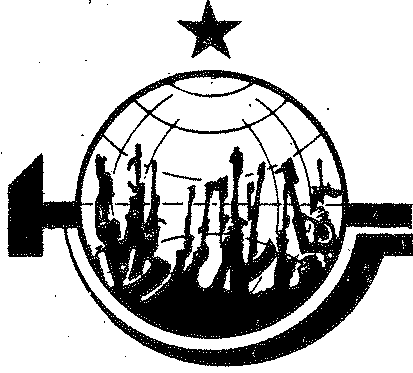
سرما به داران استعمار میشوند تفرقه ایجاد کنند. در حالیکه کارگران انگلیسی می دانند که پدیده بیکاری نه خاص این یا آن کشور بلکه زائیده نظام سرمایه داری است و تنها با نابودی این نظام و جایگزینی آن با نظام سوسیالیستی و پیشبرد اقتصاد در راه مریزی شده در جهت منافع همه کارگران و زحمتکشان بیکاری نیز ریشه کن می شود. اما رمنتشر شده از سوی سازمان همکاری اقتصاد و توسعه نشان میدهد که چگونه در دوران بعد از جنگ نرخ بیکاری در کشورهای امپریالیستی و سرما به داری سیر صعودی داشته است به جدول زیر توجه کنید:

	۵۹-۶۰	۶۹-۷۰	۷۴-۷۵	۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱
آمریکا	۴/۳	۴/۶	۵/۲	۶/۶	۷/۷	۸
ژاپن	۲	۱/۳	۱/۳	۲	۲	۲
آلمان غربی	۵	۸/۱۰	۱	۳/۵	۳/۲	۴/۲
فرانسه	۱/۸	۱/۵	۲/۶	۵/۱	۵/۹	۶/۳
انگلیس	۱/۲	۲	۳/۴	۵/۸	۵/۸	۷/۴
ایتالیا	۷/۴	۵/۱	۵/۷	۶/۹	۷/۵	۸/۴
کانادا	۴/۱	۵/۱	۵/۷	۷/۵	۷/۵	۸/۱۱
حدا متوسط	۳/۷	۲/۹	۳/۶	۵/۴	۵	۶/۶

ارقام فوق درصد کل نیروی کار در کشورها مذکور است

جنبش جهانی

کارگری - رهائی بخش



فلسطین اشغالی

اعتصاب معلمان و پیشه وران

۲۹ اردیبهشت - ۶ هزار آموزگار فلسطینی با ردیگر در اعتراض به عدم افزایش حقوق خویش دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که با حمایت تقریباً یک میلیون و دویست هزار دانش آموز فلسطینی مدارس ابتدایی و متوسطه کرانه غربی رود اردن روبرو شد موجب تعطیل سیستم آموزشی در سرزمینهای اشغالی گردید.

دوماه پیش نیز اعتصابات مشابهی در فلسطین اشغالی روی داد که بعد از آنکه منجر به استعفای وزیر آموزش و پرورش رژیم صهیونیست شد و وعده رسیدگی از سوی دولت موقتاً پایان داده شد.

دولت اسرائیل که با بحران بیکاری و تورم بیسابقه ای روبروست به بهانه آنکه پذیرش خواسته های معلمان ممکن است موجب برانگیختن خواستهای مشابه در مشاغل دیگر شود در مقابل آنها مقاومت میکند. حداقل حقوق ماهانه معلمان فلسطینی ۳۵۰ دلار در ماه است که نسبت به سطح هزینه زندگی در جامعه بحران زده و زیر سلطه صهیونیستها بسیار ناچیز است. آموزگاران خواستار افزایش حداقل ۷/۵ درصد حقوق خویش میباشند.

از سوی دیگر رژیم صهیونیستی میگوید با افزایش مالیاتهای گوناگون بر درآمد زحمتکشان فلسطینی تا حدودی بحران اقتصادی جامعه فائق آید، این امر موجب اعتراضات مختلف بوده ای را برانگیخته است. از جمله هفته گذشته پیشه وران فلسطینی ساکن منطقه شرقی "قدس" علی رغم تهدیدات دستگاه حکومت نظامی صهیونیستی در اعتراض به وضع مالیاتهای جدیدی مفا زده های خود را تعطیل نموده خواستار لغو آنها شدند.

مقابلۀ با بحران اقتصادی موجود دست به اخراج های دسته جمعی کارگران میزند. از جمله تنها در کارخانه نجات فاید استون بیش از ۱۰۰۰ کارگر اخراج و تعطیل نموده است. در سال گذشته بیش از ۲۰۷ - اعتصاب یا شرکت مجموعاً ۱۰۰۰۰ کارگر انجام شد که طبق یک آمار رسمی زیان ناشی از این حرکات کارگری برآورد فوق سود امپریالیستی بالغ بر ۱۵۵ هزار روز کار بود.

جنبش کارگری در آفریقای جنوبی برغم گسترش کمی بدلیل شرایط اختناق و سرکوب رژیم نژادپرست و وجود نیروی عظیم کارآرزان بعنوان اردوی ذخیره کار و نیز فقدان رهبری انقلابی نیرومندی، از سازمان یا منگی لازم برخوردار نیست. بهمین جهت از نظر کیفی دارای سطح نازلی است. با اینهمه جنبش مذکور پیوند نزدیکی با جنبش رهائی بخش ضد امپریالیستی و ضد تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی دارد.

آفریقای جنوبی

اعتصاب کارگران

هفته پیش ۲۴۰۰ تن از کارگران چند کارخانه ماشین سازی از جمله لیلاند مونتهزه در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزد و شرایط طاقت فرسای کار دست به اعتصاب زدند.

پلیس نژادپرست آفریقای جنوبی در حمله به صفوف متحدان اعتصاب کنندگان - مذکور یک کارگر را کشته و چند تن دیگر را مجروح نمود. این حال نتوانست کارگران را وادار به عقب نشینی نماید. دولت نژادپرست دست نشان داده امپریالیستها در آفریقای جنوبی علاوه بر سرکوب خشن، اخیراً "بخاطر آنکه نمی تواند بر اتحادی که کارگران فائق آید برای مقابله با حرکت های کارگری و نیز جهت

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائی بخش

سراسر جهان



# بررسی و تحلیل از جنبش کارگری در سال گذشته

## ب - روند جنبش کارگری پس از آغاز جنگ

جنبش کارگری که در اوایل دهه ۱۳۴۰ در اوج خود بود، پس از آغاز جنگ در سال ۱۳۵۷، به شدت تضعیف گردید. هرچند که جرقه‌های مبارزات کارگران بطور پراکنده و در ابعاد مختلف در واحدهای از کارخانه‌ها و مراکز دولتی و دولتی‌نشین روزهای جنگ شروع شد. کارگران را احساسات شوونیستی فراگرفت. شدت این احساسات آمیخته با تعصبات مذهبی آنچنان بالا بود که تمامی فضای کارخانه‌ها را متراشیده بود. دستگاہهای تبلیغاتی بورژوازی زرادین و تلوویزیون گرفته تا تمامی نشریات بورژوازی با حرارت تمام از دفاع از زمین سخن می‌گفتند. موج میهن پرستی بورژوازی تا حدودی کارگران را فراق گرفت. توده کارگران بنحویسابقه تحت تاثیر ایده‌های جاری بورژوازی قرار گرفتند. در کنار تبلیغات بورژوازی اپورتونیستی که شرایط جنگ را بهترین زمینه توافق کارگران با سرمایه داران یافته بود، با تکامل به سویال شوونیسم تمامی کوشش سیاسی - عملی خود را در جهت تابع ساختن سرنوشت کارگران به سرمایه داران خودی سوق داد. موقتاً مبارزات کارگران فروکش کرد. از سوی دیگر با شروع جنگ، آبا با نوا هوازیکی از مهمترین کانونهای مجتمع پارتی‌های صنعتی به صحنه اصلی جنگ در دولست ایران و عراق تبدیل گشت. پالایشگاه آبادان در اترامباران از کار افتاد. تمام مراکز پیلوژوه‌های صنعتی یا بحال تعلیق در آمدویا کالمات متوقف شد. کارگران شاغل این ناحیه تماماً به خیل بیکاران و آوارگان جنگی پیوستند. از سوی دیگر طبقه کارگری از منابع تامین کننده سرباز در این جنگ ارتجاعی بود و تعدادی از کارگران در این رابطه جان خود را از دست دادند. از این رو با طبع کارگر بیشترین دستمزدات در اولین روزهای جنگ متحمل شد. در چنین شرایطی رژیم جمهوری اسلامی به بهانه جنگ از یکسوکوشش برای محدود ساختن حقوق صنفی کارگران افزونی بخشید و از سوی دیگر قدم به قدم با توسل به شیوه‌های سرکوبگرانه جواختناقی و ضد همکاران تیک را در کارخانه‌ها و مراکز دولتی شلاق سلسله مراتب مدیریت و بخشنامه‌های وزارت آئین نامه‌های انطبالی بر گوده کارگران فرود می‌آورد. رژیم از کارگران می‌خواست که این وضع را به

دلیل شرایط ویژه جنگ تحمل کنند. هر چند دفاع طلبی توده‌ها که شمره فریب بورژوازی و فقدان آگاهی پرولتاریای جوان و کم تجربه‌ای است که هنوز تبلیغات سرمایه داری بر اعشی شور میهن پرستی را در آنان برمی‌انگیزد. اما واقعیت سرخست مبارزه طبقاتی کارگران را قدم به قدم در مقابل حاکمیت قرار می‌داد. مبارزات پراکنده در اشکال متنوعی از اعتراضات فردی گرفته تا اعتصاب در اوایل مهرماه شکل گرفت و حول خواستهای اقتصادی و مطالبات دمکراتیک جریان یافت. در این مقطع که از اوایل مهر تا نیمه آبانماه بطول می‌انجامد، مدخواتستهای عمده کارگران جلوگیری از اخراج، افزایش دستمزد (سودویزه)، پاداش تولید و... و اعتراضات پراکنده علیه آئین نامه‌های انطبالی و جوغفقان حاکم بر کارخانه‌ها بوده است.

مبارزه کارگران در گروه صنعتی کفش ملی با اعتصاب کارگران یونایتد برای دریافت پاداش تولید آغاز می‌شود که به پیروزی کارگران منتهی می‌گردد. کارگران استاندار در مقابل اجناس فرمتها و مدیوران دولتی، کنترل قطعتهای را در دست میگیرند. کارگران کارخانه عالی نسب برای دریافت سودویزه دست به اعتصاب و کمکاری می‌زنند که به نتیجه نمی‌رسد. تحصن کارگران ایران با سا در پشت علیه اخراج یک کارگر پیشرو پس از سه روز به پیروزی منجر میگردد. کارگران نوزده کار روتوشیبا در رشت نیز علیه اخراج و تفتیش عقاید به مبارزه می‌پردازند. در سیمان درود کارگران برای دریافت سودویزه و مخالفت با بازگشت یک مهندس ضد کارگردست به اعتصاب و تشکیل مجمع عمومی می‌زنند که در این مبارزه پیروز می‌شود.

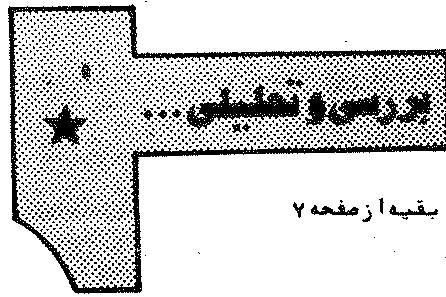
## مبارزات کارگران

### مجدداً گسترش می‌یابد

هرچه بیشتر در این فضاکت ناشی از جنگ آشکارتر می‌شود مبارزات کارگری و کمبود ما بحتاج اولیه زندگی بردوش کارگران سنگینی می‌کند، فقر توده و سیم کارگران فزونی میگرفت. جنگ موج وسیع بیکاری، اخراج و تعطیل کارخانه‌ها را شدت بخشید. کارگران شاغل نیز تحت تاثیر شرایط اعتماد خود را به تا مین حداقل معیشت خود در آینده زدست میدادند. اگر نهایی سرکوب حاکمیت هر روزیوروش بر گانه شوراها و انقلابی را شدت می‌بخشید. مدیران لیبرال، مکتبی و انجمن سلاهی هر کدام به شیوه مخصوص خود دست اندر

کار روتوشه و سرکوب بر علیه نمایندگان واقعی کارگران بودند. هرگونه اعتراض و مبارزه کارگران بر علیه زورگوشیای سرمایه داران و مدیوران دولتی سرکوب می‌شد. وضع اقتصادی دمدم و خمیم تر می‌گشت. با ریلپای اقتصاد و بحران بردوش کارگران می‌افتاد. کارگران در تجربیات روزمره خویش در می‌یافتند که دولت بر حسب منافع طبقاتی نمی‌خواهد با رینگ را بردوش سرمایه داران قرار دهد. جنگ حامی جرفروگران نمی‌آوردگی و بیکاری برای کارگران و زحمتکشان نداشت. کارگران بر حسب واقعیت ملموس و تجربیات زندگی خود به ما هیت وعده وعده‌های دروغین رژیم جمهوری اسلامی در دفاع از میهن پستی می‌بردند. و از این زاویه جنگ آموزشهای بسیاری را برای طبقه کارگر به ارفغان آورد. مبارزات کارگران علیه وضع فلاکت بار رژیم دوم آبان با وسعت بیشتری آغاز شد. و کارگران برای بهبود شرایط زندگی خود دست به عمل انقلابی می‌زدند. جنگ کم کم به فرا موشی سپرده می‌شود و میزان شور میهن پرستی شوونیستی کاسته میگردد. در تهران کارگران کارخانه‌ها در خانیات، کانا دارای، گروه صنعتی نپشهر و کارخانه‌ها ت مقدم برای دریافت سودویزه با جلوگیری از خروج تولیدات پیروزی دست می‌یابند. کارگران مبارز در خانیات بمدت یکماه مانع خروج تولیدات گشتند. مبارزه کارگران کانا دارای به درگیری با پاداران و شهادت یک کارگر انجامید. در کارخانه‌ها ت مسلسل سازی اعتصاب کارگران علیه کاهش حقوق خویش با عقب نشینی مدیوران دولتی به پیروزی منتهی می‌گردد. مطابق با روشی با مدیوران دولتی در گروه صنعتی کفش ملی و در برتوشه تعطیل کارخانه‌ها توسط استفاده مالی به تشکیل کمیسیون تحقیق درواستاد استنادار می‌انجامد و کارگران واحد سرآسیاب جهت اعتراض به افزایش حقوق مدیوران دست به اعتصاب می‌زنند و پیروزی می‌شوند. مبارزه علیه سوء استفاده مالی در کارخانه‌ها ت ایران ناسیونال، جنرال موتور و جبهت تهران جریسان می‌یابد در کارخانه فیلیپس بمنظور بقیه در صفحه ۸

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است



بقیه از صفحه ۷

و متحدانه کارگران مواحه می‌شوند. مبارزات کارگران ارج در همین رابطه یکی از نمونه‌های برجسته در این ماههاست. سیاست آپورتونیسیم راست در ایندوره که مملو از دل‌بستگی مفرط به فرمهای جزئی بوده و حق حیات خود را به اندکسایان بخورونمیر و فروخته بود با اتحاد سیاسی - عملی هواداران نا آگاهش در کارخانه‌ها با انجمن اسلامی - سه بورژوازی کمک نمود تا بتوا نشورا های انقلابی و کارگران پیشرو را سرکوب کند، و سیاست های بی محتوا و زرد کردن شوراها را شدت بخشد و از سوی دیگر به تشویق کارگران جهت اعزام به جبهه می پرداخت تا بتواند هر چه بیشتر کارگران را قربانی این جنگ ارتجاعی بنماید.

در اوایل این دوره جنگ بصورت امری فرعی برای کارگران درمی آید. اما در یک مقطع کوتاه، زمانی که بورژوازی عوام فریسانه و با یوق و کرنا از پیروزی در جنگ ارتجاعی سخن می‌راند کارگران نیز تمام توجهشان بدان سمت جلب شد. ولی اینها رزوا و به دیدن کارگران تنها رضایت از پایان جنگ و قطع آن بود. اگر مبارزات کارگران را در این دوره جمع بندی کنیم می توانیم بگوئیم: محور خواسته های اقتصادی کارگران در ایندوره افزایش دستمزدا زکاتنال سود ویژه و عمدتاً " طرح طبقه بندی مشاغل می باشد. همچنین مقابله با تغییر و افزایش ساعت کار جنبه ای دیگر از مبارزات کارگران را تشکیل می دهد.

اما مطالبات دمکراتیک کارگران عمدتاً " در حمایت از کارگران پیشرو اخراجی و مبارزه بر علیه جواختساق و تفتیش عقاید و نیز اعتراض به آئین نامه ها و غیره خلاصه می شود.

شکل عمده مبارزات کارگران در ایندوره اعتماد است. که درکنسار آن اشکال دیگری چون جلوگیری از خروج تولید و راهپیمایی نیز مشاهده می شود.

### اوج یابی و

### گسترش مبارزات کارگران

مبارزات کارگران در مقاطع بهمین واسفند در سیر تکامل خود از مرحله خواسته های پراکنده اقتصادی فرا تر رفته و مبارزه جهت دریافت سود ویژه، عیدی، پاداش در اغلب کارخانجات بگونه ای خود بخودی و پراکنده اما بتواتر افزایش

اخراج مدیرعامل توسط کارگران راهپیمایی اعتراضی صورت میگردد در اصفهان کارگران سیمان سیاهان و نساجی تاج با اعتصاب و راهپیمایی حول گاهش دستمزد (مزا یا سود ویژه) به مبارزه برمی خیزند در صنایع فولاد و گسترش مسکن اصفهان برای دریافت حقوق عقب افتاده کارگران - سه گروه گانگی و اعتصاب دست می زنند. کارگران شرکت واحد اصفهان در اعتراض به اخراج شما ببنده خود اعتصاب نمودند کارگران پتروشیمی و ناسیونال اصفهان نیز برای خواسته های اقتصادی به مبارزه برمی خیزند.

در گسبلان در کارخانجات نوشیبا و ایران کف در اعتراض به اخراج شما بنده کارگران اعتراض و سیمی صورت میگردد. کارگران بانسکیل مجمع عمومی و دست زدن به کم کاری مبارزه را ادامه می دهند. در کارخانه پوشش و ورزیده کار اعتراض وسیع کارگران علیه جواختساق اوج می گیرد.

در قزوین موج مبارزه رشد می کند و حادثه می شود. مبارزه کارگران ری - او واک، نیتینگ و تیزرو جهت اجرای طرح طبقه بندی مشاغل به اعتصاب و جلوگیری از خروج تولید می انجامد که به نتیجه ای نمی رسد. در ریسندگی آذربایجان مبارزه بر سردریا فست سود ویژه به اخراج ۳ تن از کارگران منجر میشود. مبارزه کارگران فرنگ برای تشکیل شورای انقلابی به پیروزی میرسد. کارگران مبارز سیمان صوفیان و کبریت سازی توکلی در تبریز برای بازگرداندن اخراجیها با جمع آوری - طوماروا شکل دیگر اعتراض می کنند. در اراک در ماشین سازی، چپبال، ایرالکوبر علیه آئین نامه های انتظامی و مدیران ضد کارگری بر علیه اخراج کارگران پیشرو و نمایندگان واقعی کارگران اعتراض گسترده ای صورت میگردد.

در همین دوره نطفه های ناراضی از جنگ خود را بشکل مخالفت با پرداخت بکروز حقوق ما ها نه به بها نه کمک به جنگ زدگان منعکس می نماید. مبارزات کارگران در این ماهها در مقابل سرکوب شورا های انقلابی که از زکاتنال مدیران دولتی و انجمن اسلامی با همکار ریگسترده سپاه پاسداران عملی میگردد، مقاومت شایان توجه کارگران را بر می انگیزد. اتحاد عمل مدیران دولتی یا انجمن اسلامی در سرکوب مبارزات کارگران و عزل و اخراج نمایندگان واقعی ما هیت ضد کارگری انجمن ها را نازد کارگران آشکار می ساخت. انجمنها در ایندوره تفتیش عقاید و جاسوسی را بشکل گسترده ای پیش می برند. حسن نفرت و مقابله جویی با این ارگان در کارگران رشد می یافت. از سوی دیگر سیاست بی محتوا کردن شوراها با ایجاد شورا های فرمایشی توسط گردانندگان انجمن اسلامی که اغلب در موقع انتخابات سوسیله پاسداران سرمایه و کمیتته جیها انجام می گرفت با رویا رونی یکپارچه

با بنده ای شدت گرفت. ولی فقدان اتحاد سراسری هنوز امکان مبارزه متحدانه و سازمان یافته طبقه کارگران فراهم نیاورده است. کارگران در این مبارزات که بطور روز افزونی رشد می یافت و حادثه می شد بتدریج درمی یابند که تنها راه بهبود شرایط آنها و حصول آزادی شان اقدام به مبارزه علیه طبقه سرمایه دار و دولتشان است. تجربه جنگ هما بنده در تجربه دیگر اگرچه در ابتدا جریخ ناگهانی در مبارزاتشان بوجود آورد، و باعث توهم نموده بیشماری از کارگران گردید. اما تجربیات روزمره و فشار ناشی از بحران اقتصادی بتدریج آنان را آبدیده می ساخت. نکته برجسته جنبش کارگری در ایندوره مبارزات کارگران مناطق جنگ زده است که بعد از یک افت کوتاه مدت دوباره اوج گرفت.

مبارزه نفتگران جنگ زده جنوب، تظاهرات کارگران ترمینال و بنسندر خرمشهر و مبارزات کارگران سازمان آب و شرکت شناوه، کارخانه فندوشکسر، شرکت دی، صنایع فولاد، کشت صنعت گریو، بهره برداری شرکت نفت اهواز اغلب حول دریافت حقوق عقب افتاده و اخراج بی رویه کارگران سازمان یافتند. حمایت شورای سراسری نفت از مبارزات آنها نشانه حسن اتحاد و همبستگی کارگران بود. مبارزات نفتگران پالایشگاه اصفهان علیه اقدامات خود سراسره مدیریت از جمله لغو سیستم نوبت کاری که بدست توانای نفتگران قهرمان پس از قیام خونین خلق برپا شده بود شدت گرفت. نمایندگان شورا های سراسری پالایشگاهها خواستار رفعیه انقلاسی رئیس فعلی پالایشگاه اصفهان و تصفیه عناصر سرسپرده رژیم سابق در شرکت نفت شدند. آنها با طرح اقدام مستقیم خویش در جهت اعمال اراده خود به رژیم هژار دادند.

در کارخانجات ماشین سازی، تراکتور سازی، کمپیدرو، لیفت تراک در تبریز حول سود ویژه و جهت بازگرداندن کارگران اخراجی مبارزه شکل میگردد. در کارخانجات قزوین مبارزات کارگران برای دریافت سود ویژه و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از یکسو و مطالبات دمکراتیک از سوی دیگر، وسعت گرفت. از جمله در کارخانجات تبریز، نیتینگ، قرقه زینیا، فرنگ، ریسندگی آذربایجان و تنید، این مبارزه جریان داشت. کارگران در اغلب این مبارزات به اشکالی چون اعتصاب، تحصن و جلوگیری از خروج تولید در مقابل سرمایه داران و دولت حامی آنها قرار می گرفتند.

در گیلان مبارزات کارگران فرش پوش، ورزیده کار، ایران الکتریک حول سود ویژه و علیه اخراج شدت یافت. در کارخانه ایران الکتریک کارگران برای دریافت سود ویژه دوروز دست به اعتصاب زدند و مدیران کارخانه را به عقب نشینی واداشتند. در دیگر کارخانجات نیز اعتراض و مبارزه برای سود ویژه

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران









# در حاشیه بند "ج"

مبارزات دهفائی اوج یافته و حکومت را در سنگنا قرار داده است. علاوه بر این، در روساهاشی دهفائی خود از طریق انقلابی زمین مالکین را مصادره کرده و از آنها خلع ید کرده است و در باره ای اندک از روساها نیز زمین توسط هیات های ۷ نفره دهفائی و اگدا رفته است. این (بمقدار ۱۵ هزار هکتار)، در حالیکه در بقیه روساها زمین کماکان تحت تسلک مالکین باقی مانده است. به همین دلایل است که رژیم با ساقی روستاها است. از یک طرف می خواهد تا سرحد امکان زمینها را برای دفاع کمدواز طرف دیگر این منافع توسط دهفائی نپه مبارزه طلسم شده و بیخاطر سطح این مبارزات می تواند پیدا نگونه که میخواستند منافع مالکین را محفوظ بدارد.

موضع گیری های متفاوت و تناقض کوشی های سران حکومت در باره مساله ارضی و بند "ج" عمدتاً ناشی از این است و همین دوگانگی است. در حالیکه ۱۰۰ تن از نمایندگان مجلس از جناح های مختلف حاکمیت تحت فشار اعتراضات و خیزش های اخیر دهفائی و برای تداوم حاکمیت رژیم و حفظ نظام، از رسمیت از منافع زمینداران بزرگ می گذرند و خواهان اجرای بند "ج" می شوند. آیت الله خمینی با ادامه سیاست سکوت در این باره، همچنان بر موفق آن تا کندی ورود و هنوز در روز از ارسال نامه نمایندگان نمی گذرد که تحت ویرمکتبی در مورد اجرای بند "ج" اظهار می دارد: "انقلاب یک انقلاب است ما رگسختی نیست که زمین را به عنوان عنصر اصلی انقلاب می دانند بلکه برای ما زمین یک وسیله است". (جمهوری اسلامی، ۶۰/۲/۲۰). و به این ترتیب چرا کسی از دادن پاسخ صریح به مساله طفره می رود و موضوع را صورتی مطرح می سازد که کویا مساله زمین، یک موضوع رگسختی است که ربطی به وظائف "دولت" مکتبی او ندارد.

بهر حال، طی این دو سال و اندی، رژیم جمهوری اسلامی در تخریب زمینها اقدام کرده است که خود با تمام یک املاحات ارضی، حتی در همان محدوده ای که بصورت قانونی درآمد است، مصادرت نمی کند. رژیم، تنها وقتی به عقب نشینی و انجام املاحات ارضی تن می دهد که تحت فشار بوده ای و دهفائی قرا ر گرفته باشد. بنا بر این دستا بی دهفائی دهفائی دهفائی مطالبات خود یعنی زمین، شورا و امکانات کشت و زینتی که بند "ج" فقط بخشی از آن را شامل می شود) از طریق مبارزه برای انجام یک املاحات ارضی دموکراتیک امکان پذیر است. در این مورد شورا های ترکمن صحرا نمونه کویا شی است از ظرفیت همکاری و حرکت های دسته جمعی بوده ای دهفائی در زمین پیدا مرا املاحات ارضی دموکراتیک، تنها، تداوم، گسترش و تعمیق این مبارزات دهفائی که در بطن مبارزات بوده ای و در ارتباط با آن انجام می یابد، هیات حاکمه را تا حدودی وادار به عقب نشینی و رسمیت شناختن حقوق دهفائی خواهد کرد.

رژیم، جمهوری اسلامی در بحران نشان داده است که خود با تمام یک املاحات ارضی، حتی در همان محدوده ای که بصورت قانونی درآمد است، مصادرت نمی کند. رژیم، تنها وقتی به عقب نشینی و انجام املاحات ارضی تن می دهد که تحت فشار بوده ای و دهفائی قرا ر گرفته باشد.

سهره کشی اید دهفائی مشغول بودند، مصادرت زمینها را به برادریهای سخی زمین های و اگدا رفته و نظری زمین مالکین را یکپرده است. علاوه بر قانون صدور مجوز صدور زمین به روستاییان و زمین های موات و زمین های که در اختیار حکومت ارضی است، چنانچه داشته باشد، ابتدا از زمینها و اگدا رفته و از این طریق، سرور گذاری زمینها را بر ما لکان محدود و مشروط شد. می بینید تفاوت بین یک املاحات ارضی دموکراتیک و یک املاحات ارضی نیم بند و دموکراتیک از کجا تا به کجا است؟

اما به خود اینکه قانون املاحات ارضی با آنجا که آثار داشت منافع بزرگ مالکین را محفوظ داشته و در سر کسب کرده کل سرمایه سیبده ای که بصورت برایش بنا رده می کردند، لیکن رژیمه راه، و سعی رژیم سرور کرده در کسب زمین فروتن شده و حین های دهفائی از یک و تا افتاد است. اما بعد اجرای بند "ج" در دستور است آیت الله خمینی متوقف شد. طی مدتی که دستور توقف بند "ج" ما در بنده بود، بنا به اظهار آقای جاسبی معاون طرح و برنامه ریزی نخست وزیری از دو میلیون هکتار ارضی فابلوا گذاری تنها ۱۵۰ هزار هکتار زمین تقسیم شد، که این مقدار از ارضی و اگدا رفته، خود نشانه مفاد و اهداف حکومت در باره اجرا در آوردن طرح املاحات ارضی سرور بریده میزور می باشد.

اکنون رژیم با سنگلاخی در زمینها مسائل ارضی مواجه است. با متوقف شدن بند "ج" و "دال" (که تنها قسمت قانون املاحات ارضی است که محدودی بخشی از خواست دهفائی را در خود دارد) ادامه

جدی پس حدود ۱۰۰۰ تن از نمایندگان مجلس طی نامه ای به آیت الله خمینی خواستار اجرای بند "ج" را قانون املاحات ارضی شدند. نمایندگان قوی خطاب به آیت الله خمینی نوشتند که "اکنون با توجه به بیابردی اکثریت روساها زمین مسخف به اجراء این طرح قانونی که هنوز هم بصورت خودیائی است مستعدی است دستور اجرا، آرا ما در قرا ما شد". این اظهارات درخواست نمایندگان جهت اجرای بند "ج" در زمانی صورت می گیرد که موج نویی از مبارزات دهفائی برای نابودی زمینداران بزرگ، کسب زمین، تسکین شورا و بدست آوردن امکانات کشت و زینتی، در روستاها با لگرفته است. طبق گزارشهایی که از برخی روستاها می رسد، و گاهی در روزنامه های صحیح و غیر صحیح انعکاس می یابد، دامنه این مبارزات به بر خورد های قهرآ میزین دهفائی از یک سو و اعمال و احکامات حکومتی مالکین از سوی دیگر، کشیده شده است. برای این اساس است که مبارزه ای از هیات های ۷ نفره مسئول و اگدا رزی زمین نیز نگارانی خود را از این که نتوانند جنبش های دهفائی را مهار کرده و حاکمیت رژیم را در روستاها برقرار کنند و دهفائی را به تبعیت از قانون فرا خوانند، بر ازار داشته اند.

رژیم در این باره، در شرایطی که جنبش های دهفائی با لگرفته بود، برای خنثی کردن اقدامات انقلابی دهفائی و مقابله با نیروهای انقلابی و کمونیست به یک املاحات ارضی نیم بند و دموکراتیک تن داد. اقدامات دهفائی در انجام املاحات ارضی دموکراتیک که بوسیله خودشان و از این صورت را گرفت، نه تنها منافع زمینداران بزرگ را از طریق مصادره بلاعوضی ارضی آنها بخطر انداخته بود، بلکه از این طریق حاکمیت رژیم را نیز به مخاطره می افکند. رژیم تحت این شرایط، برای اینکه حتی الممکن و رگسختی کمی به منافع مالکین بزرگ وارد آید، برای اینکه حاکمیت قانون ضد انقلابی خود را در روستا سرور کرده و مقدرات دهفائی را در اختیار بگیرد و برای اینکه با دادن یک سری امتیازات جزئی، دهفائی را از راه راه انقلابی منصرف کرده و حین آنها را به میا ر کند. و برای اینکه زمینه های اتحاد و حرکت های مشترک دهفائی را از زمین ببرد، بنا به یک عقب نشینی مشروط و موقتی به انجام املاحات نیم بند و از بالاترین حد بر اساس بند "ج" و "دال" قانون املاحات ارضی که بنا به شرایط فوق بنویسید

رسیده و اگدا رزی ارضی با بند "ج" و ارضی دایر (بند دال) مالکینی که پیش از سه برادر عرف هر محل زمین در اختیار دارند، پیش بینی شد. بدین ترتیب حکومت می خواست، اولاً "خطر مصادره کسل ارضی زمینداران بزرگ را که سالها به

## زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



# ۱۴ خرداد، سالروز اعلام جمهوری گیلان ...

بقیه از صفحه ۱۳

و حمل و نقل و ... داد سخن میداد و همچنین اعلام نمود که در سیاست خارجی راه "ستفانی" را در پیش خواهد گرفت و موافقتنا مسه اسارت با ۱۹۱۹ انگلیس و ایران را ملغی و مردودتا میداد. باید توجه داشت که بسیاری از این موارد اعلام شده در جهت رشود بورژوازی وابسته ایران بود چرا که چوب کلی منافع امپریالیزم میباشد مثلاً تشکیل ارتش واحد ملی و یا اصلاحات در فرهنگ (به معنی بجا در زمینه های تحصیل دانشگاهی و دبیرستانی جهت پرورش نیروهای متخصص لازم) و اطلاعات در حمل و نقل (به معنی بجا در شبکه حمل و نقل رسانی جهت تسریع و تسهیل صدور کالاهای صادرات مواد اولیه) و ... و بسیاری از آنها نیز فقط و فقط جهت فریب توده ها به میان کشیده شده از جمله "استقلال در سیاست خارجی" اما بهر صورت شناخت غلط حزب کمونیست شوروی از موقعیت ایران نتواند دل و توان نیروها منجر به تحلیل غلطی از اوضاع ایران گشت که با وجود بی فشاری نیروهای انقلابی داخلی چون حیدرخان و نمایندگان دیگر حزب کمونیست ایران چون "شرقی" و سلطانزاده بر مواضع انقلابی (این به معنی درست بودن تمامی مواضع این انزاد نیست) تداوم یافت و در نهایت نیز دولت شوروی بر اساس این تحلیل اشتباه جنبش گیلان را به "مخالفت با دولت مرکزی" دعوت نمود.

چیزترین نماینده دولت شوروی در شایخ خود در باره کشورهای خاورزمین میگفت "در ۱۲۲۰ کتبره ۱۹۲۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی ضمن تصویب قطعنامه ای اظهار داشت که انقلاب ایران هنوز بایک زمره "انقلاب بورژوازی" گذر کند. بدین سان بکوشش در جهت استقرار یک رژیم کمونیستی در ایران، با پای یکداری دولت ملی شوروی گسیل آغاز گشته بود با بیان داده شد. و همچنین کمیتترین در سزای ممو به خون مینویسد "بریتانیا ی کبیر هنگامی که متوجه شد عناصر ملی در ایران زورمند شده اند در سال ۱۹۲۴ قیام محمد خزل را که در اراضی وی موسسات شرکت نفت قرار داشت سازمان داد. این قیام با رسوائی با بیان یافت. در این جا بخوبی روشن است که چگونه حزب کمونیست شوروی و کمیتترین حکومت بر سر کار آورده در ایران (یعنی رضا خان) را نماینده بورژوازی ملی ارزیابی می کنند و از اینرو خواستار پایان یافتن "دولت ملی شوروی گیلان" و تداوم مرحله بورژوازی انقلاب میشوند و چگونه شورش شیخ خزعل را بعنوان

نهضت و به معنای کمونیستها را تیرباران و اعدام کرده و بدین صورت جنبش گیلان به شکست کشانیده شد.

بدین طریق میرزا کوچک خان که رهبری جنگلیها را به عهده داشت بخاطر تزلزلات و ناپیکیری اش در پیشبرد و تعمیق مبارزه، بخاطر معاشات بسیار حکومت مرکزی و امپریالیستها، بخاطر حمایت ضمنی از منافع فتوودالها و جلوگیری از اصلاحات ارضی دمگرا تیک و بخاطر ضربه مهلکی که با کشتن حیدرخان و سایر رهبران به جنبش وارد آورد. و تمامی این اعمال منتج از بیگانه طبقاتی او و جنبش جنگل بود. نقشی تعیین کننده در شکست جنبش گیلان ایفا کرد.

قبل از آنکه به بررسی دیدگاهها و تحلیلها و اقدامات هریک از جناحها و نیروهای جنبش گیلان بپردازیم به علت رابطه تنگاتنگ و نزدیک جنبش با دولت سوسیالیستی شوروی و به علت تمایزهای نزدیک رهبران حزب کمونیست ایران با انقلابیون و رهبران شوروی

بدین طریق میرزا کوچک خان که رهبری جنگلیها را به عهده داشت بخاطر تزلزلات و ناپیکیری اش در پیشبرد و تعمیق مبارزه، بخاطر معاشات بسیار حکومت مرکزی و امپریالیستها، بخاطر حمایت ضمنی از منافع فتوودالها و جلوگیری از اصلاحات ارضی دمگرا تیک و بخاطر ضربه مهلکی که با کشتن حیدرخان و سایر رهبران به جنبش وارد آورد. و تمامی این اعمال منتج از بیگانه طبقاتی او و جنبش جنگل بود. نقشی تعیین کننده در شکست جنبش گیلان ایفا کرد.

و کمیتترین لازم است به بررسی مختصری از شیوه برخورد شوروی و کمیتترین به جنبش گیلان بپردازیم.

## برخورد شوروی و کمیتترین به جنبش گیلان:

با وجودیکه عملکرد شوروی در بدو تشکیل، در مورد تخلیه بدون چشم داشت مناطق تحت تسلط در ایران، کمک شایان توجهی به رشد جنبش گیلان نمود و زمینه مساعدی را برای قدرت گیری جبهه انقلاب فراهم ساخت اما تزه های اشتباه و تحلیل غلط حزب کمونیست شوروی و به تبع آن کمیتترین از موقعیت ایران صدماتی قابل توجه به جنبش گیلان وارد آورد.

رضا خان در بدو بدست گیری قدرت به منظور فریب توده های وسیع مردم و جلوگیری از رشد جنبش فدا میریالیستی - دمگرا تیک اعلامیه عوام فریبانه ای صادر کرد که در آن از "مبارزه علیه رستوکراسی و سرما به های خارجی" حکومت دمگراسی، کوشش برای بهبود وضع کارگران، تقسیم زمینهای دولتی میان دهقانان و کوم کردن سبزه مالکان، تشکیل ارتش واحد ملی، اصلاحات در فرهنگ و صنایع، تجارت

مبارزه امپریالیسم، تکلیس با دولت ملی مرکزی ارزیابی می نمایند. تمامی اینها در شرایطی است که حزب کمونیست ایران بدستی نقش رضا خان را تحلیل میکنند و در تزه های ممو به خود میبایستند. وظایفی که بر عهده رضا شاه و اکذا رنده بود عبارت بودند از: محور سرکوبی نهضت انقلابی که بیوسته در مملکت توسعه می یابد و بتدریج محکم نمودن نفوذ اقتصادی و سیاسی انگلیس یعنی عملاً "اجرای قرارداد ۱۹۱۹. رضا خان از دوره میتوانست به این مقصد برسد، از یکطرف از راه تأسیس ایحاد "فتوون ملی" و از طرف دیگر بطریق تظا هر دایمی احساسات دولتی نسبت به اتحاد شوروی و حتی شرقی نماینده ایران در کمیتترین در مورد تزه های ممو به کمیتترین میگوید: "این اظهارات تا درست است شیخ خزعل با نیروهای ملی ایران نبرد نکرد. این تنها مبارزه درونی طبقه زمیندار فتوودال بود. نیروهای ملی ایران استحکام نیافتند. برعکس نیروهای ارتجاعی استحکام یافته اند. رضا شاه نماینده ارتجاع در ایران است و نماینده

اما نکته جالب اینجاست که "جنگلیها" برخلاف آن چیزی که امروزه جمهوری اسلامی سعی به تبلیغ آن دارد بهیچوجه به حکومت مذهبی معتقد نبوده اند و بطور کامل به تفکیک بورژوازی، مذاهب و سیاست معتقد نبوده اند. در برنامنا مسه "جنگلیها" میخوانیم: "۱۸- انفکاک روحانیت از امور سیاسی و معاشی"

نا سونالیم پیشرو در ایران نیست. مساله ای که در اینجا قابل ذکر است اینست که مسلماً "تحلیل غلط حزب کمونیست شوروی و کمیتترین از بیگانه طبقاتی رضا خان و در نتیجه اعمال فشار بر سران جنبش جهت سازش و مذاکره با حکومت مرکزی و همچنین عدم حمایت فعال از این جنبش در مقطع پس از روی کار آمدن رضا خان، در شکست جنبش نقش بازی نموده و تا شیرا تی نیز نهاده است. اما باید توجه داشت که نقش شوروی بعنوان عاملی خارجی در مورد این جنبش طبقه های ایران نمیتوانند نقش تعیین کننده را بشود و مسلماً "شکست جنبش گیلان بخاطر عدم وجود شرایط عینی و ذهنی لازم جهت تحقق و پیروزی آن بوده است

## دیدگاه نیروها در جنبش گیلان:

جنبش گیلان از نظر طبقه های شامل طیف وسیعی از اقشار و طبقات خلقی بوده این مساله بر زمینه عدم وجود رهبری پرولتاریا در جبهه متحدان نیروها باعث حرکات ناممکن و تزلزلات بسیاری گشت. هریک از نیروها خواهان اجرای برنامه خود بودند که کمترین وجه مشترکی با برنامه سایر نیروها داشت.

بقیه در صفحه ۱۵

# با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم



# ۱۴ خرداد، سالروز اعلام جمهوری گیلان ...

بقیه از صفحه ۱۴

حلقه های اساسی که مضمون انقلاب  
دمکراتیک را تشکیل می دهند دست نهاده  
است، استقلال، ملاحظات ارضی دمکراتیک  
سرفراری دموکراسی، نابودی ساختارنش و ...

علاوه بر تزلزلات و سازشکاریهای  
حناح میرزا و چپ زوی ها و آنا رشی گریهای  
حناح احسان الله خان عامل دیگری که  
در شکست جنبش گیلان نقش موثری ایفا  
سمود عدم توجه و بیگیری در جهت سراسری  
سمود جنبش بود. با وجودیکه تمام  
حناحهای جنبش در ترها و مرا مانده های  
خود صحبت از "سا بودی رژیم سلطنتی"  
و "آزاد کردن ایران" میرا شدند که همگی  
به معنی سراسری نمودن جنبش است اما در  
عمل بر این مساله کمترین بهائی ننمیدهند  
با بد توجه داشت جنبش گیلان با غیرتهای  
نوده ای دیگر چون جنبش شیخ محمد  
خبا با نی در شیریز و جنبش کلنل پسیان در  
خرامان و ... همراه بود که با توجه به  
موقعیت جغرافیائی و توده ای بودن  
این جنبش ها تماس و همکاری آنان با  
یکدیگر میتوانست نقش بسزائی در مقاومت  
و پیروزی جنبش ایفا کند. اما دید محدود  
خود ما لکی - خرده بورژوازی، ناسیونالیستی  
ها کم بر این جنبش ها جلوی رشد و گسترش  
و سراسری شدن آنان را گرفت. تنها  
اقداماتی که در این مورد انجام گرفت  
فرستادن چند نماینده از سوی هریک از  
رهبران برای تماس با دیگران بود که  
این عمل بهیچ صورت بیگیری نشد و  
کوچکترین نتایج عملی نیز در پی نداشت.  
این شکل از برخورد در عین حال نشانه  
عدم درک صحیح حزب کمونیست از ترزهای  
کمینترین میباشد. زیرا حزب با وجود  
عضویت در کمینترین و با وجود تا کیندا ت  
سیا ربرگسترش و پیوند جنبش های خلقی  
کمترین کام عملی موثری در این راه  
بر نداشتن به فرستادن یک قاصدا کتفا نمود.  
بهر رو با بد توجه داشت که تمام  
این انحرافات و تزلزلات بر زمینه عدم  
وجود رهبری پرولتاریائی برجسته  
گیلان حاکم گشت. ما با گرامیداشت  
خاطره تمام می شهدای جنبش گیلان،  
میگوشیم با اتکاء به تجارب تاریخی  
این جنبش و تمام می جنبشهای خلقی، با  
بکارگیری دستا وردهای آن و با تجربه  
اندوزی و درک صحیح انحرافات و اشتباهات  
آن مبارزات خود را در راه تحقق آرمان  
طبقه کارگروهرائی خلق از زیر سلطه  
امپریالیسم و سرمایه داری ارتداد و مبخشیم.

در این میان حزب کمونیست ایران  
پس از آنکه گرایش انحرافی خود را سال  
۱۲۹۸ (۱۹۲۰) از آن انشعاب کرده و تحلیلزار  
اوضاع ایران و طرح شعارها و سربا معنای  
خود برداشت. آنطور که از مصوبات کنگره  
دوم حزب (در سال ۱۹۲۲) ابداست تحلیل  
حزب در رئیس کلی خود مستی بر اصول  
درستی بوده است. این تحلیل در  
موضعگیری ها و شیوه حرکت حیدرخان نیز  
تا تیربزشائی داشته است. حزب در  
"ترهای مصوب کنگره دوم" خود به رستی  
ایران را بصورت کشوری نیمه کلنی که  
هنوز رسماً "ظاهراً" استقلال خود را حفظ  
کرده و در تحت تصرف دول معظمه  
سرمایه داری در نمانده است و "توسیم  
می کند و با برخوردی دقیق به عمل  
کودنای رضا خان مینویسد "ایران امروزه  
بطور آشکارا بر دوش متخاصم تقسیم گردیده  
است: در یک طرف ملاکین یعنی طبقه  
حاکمه و طرفداران آنها و با بمبارت  
صحیح تر آنها می که در عملیات با ملاکین  
شریک هستند (قسمت فوقانی بورژوازی)  
و در طرف دیگر کارگران، دهاقین، ضعیفان  
بورژوازی کوچک و قسمت خیلی زیاده  
بورژوازی متوسط میباشد. و سپس  
در "ترهای مصوب کنگره دوم حزب کمونیست  
ایران" میخوانیم "مهمترین شعارهای  
حزب کمونیست ایران در این دوره باید  
نا بود کردن رژیم سلطنت و استقرار  
جمهوری انقلابی باشد. جمهوری انقلابی  
با وسایل لازم اجرای وظائف زیر را عمده  
دارد:

- الف: حفظ استقلال و تمامیت ایران
  - ب: محو نای بود کردن قطعی بقایای  
فتو دالیزم و تقسیم زمینهای اربابی و  
غیره بین دهاقین
  - د: استقرار کامل آزادی و دمکراسی  
و همچنین در پی گرام (برنامه)
- عملیات حزب کمونیست ایران میخوانیم  
"محو کامل بقایای فتو دالیزم و در مرحله  
اول النای اصول ملاکی ... به هم زدن  
قشون خالیه ... می بینیم که چگونه  
حزب کمونیست ایران بدرستی بر

میرزا کوچک خان که ما بسده مافع  
بورژوازی ملی (عمداً "بحاری) و مالکان  
میانه حال بود ما رزه را فقط در خلاصی  
از سلطنت کینس میدید. و در این راه  
حتی سعی داشت حمایت فتو دال را نیز  
بخود جلب نماید و از این رو در مفاصل  
اطلاعات ارضی دمکراتیک و لغو مالکیت  
فتو دالی ایستادگی میکرد. در عین حال  
میرزا بیعت و حش از او گیری جنبش  
پرولتاری و بدست گیری قدرت از سوی  
کمونیستها در مفاصل مختلفی به سازش و  
مماشات با حکومت مرکزی و حتی امپریالیسم  
انگلیس کشیده شد. و در نهایت نیز با کشتار  
حیدرخان عموا و غلی و سایر رهبران جنبش  
ضربه ای کاری بر پیکر جنبش گیلان وارد  
آورد.

بغوان مثال در مرا مانده جنگلیها  
آمده است "مالکیت ارضی با ملاحظه  
تأمین معیشت عمومی تا حدی تصدیق  
می شود که حاصل آن عاید تولیدکننده  
شود" یا "منوع بودن انحصار و احتکار  
ارزاق و سرمایه و ... بیخوبی روشن  
است که هدف جنگلیها نه مبارزه ایفا طبع  
با فتو دالیزم بلکه تعدیل ستم طبقاتی  
بوده است. و از این روست که نه بر نامای  
برای اطلاعات ارضی دمکراتیک بلکه  
طرحی برای تعدیل مالکیت فتو دالیها،  
نه طرحی جهت نابودی مالکیت بزرگ  
فتو دالی و سرمایه داری بلکه طرحی  
جهت جلوگیری از احتکار و تعدیل ثروتها  
ارائه میدهند.

اما نکته جالب اینجاست که  
"جنگلیها" برخلاف آن چیزی که امروزه  
جمهوری اسلامی سعی به تبلیغ آن دارد  
بهیچوجه به حکومت مذهبی معتقد نبوده اند  
و بطور کامل به تفکیک بورژوازی مذهب از  
سیاست معتقد نبوده اند. در مرا مانده  
"جنگلیها" میخوانیم: "۱۸- تفکیک  
روحانیت از امور سیاسی و معنایی"

احسان الله خان زوجهائی از حزب  
کمونیست عمداً "نماینده مافع خرده  
بورژوازی و زحمتکشان فقیر شده خرده  
بودند. اینان نیز با ارائه سیاستهای  
چپ روانه ضربه ای بر پیکر جنبش وارد  
آوردند. از جمله در مفاصل تشکیل "کمیته  
ملی آزادی ایران" با اجرای سیاستهای  
غلطی چون تحویل اجباری برنج،  
مما در دهامهای روستا ثمان، افزایش  
شدید مالیاتها و ... دولت خود را حمایت  
توده های وسیع دهقانی محروم ساخت  
و در عین حال با لشکرکشی های عجلانسه  
نیروهای بسیاری را به تنهایی کسانید.

## راهپیمائی بیکاران و ...



بقیه از صفحه ۵

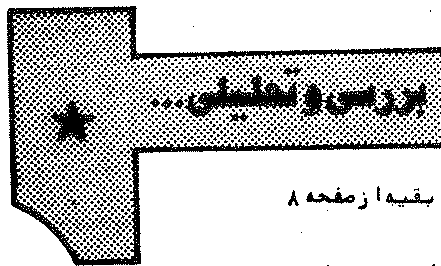
برای نمونه با بد ما فاه کنیم که  
طی بحران عظیم سال ۳۲-۱۹۲۹ ارتش  
دخیره کار در آمریکا ۱/۵ میلیون  
۱۲/۸ میلیون با ۳/۲٪ به ۲۴/۹٪ افزایش  
یافت. در سال ۱۹۳۹ آمریکا ۹/۵ میلیون  
بیکار داشتند و از آن پس با ستمهای  
۶۰ - ۱۹۵۰ که رشداً قتمادی با شتاب همراه  
بود و سطح بیکاری کاهش نشان میداد.  
بیکاری همواره سیر صعودی طی کرد نامت  
بطوریکه تنها در سال ۱۹۸۰ ۱/۱۵۰۰۰۰

آمریکائی بمدت شش ماه از کار بیکار  
شدند و زمان متوسط بیکاری در این کشور  
۱۰/۸ هفته در سال ۱۹۷۹ به ۱۳/۵ هفته در سال  
۱۹۸۰ افزایش یافت.  
در انگلستان نیز همچنانکه در شماره های  
پیش همین صفحه زکارها را تاره کرده ایم  
بیکاری ابعاد فوق العاده گسترده ای  
یافته و نظام امپریالیستی را با مشکلاتی  
جدی روبرو ساخته است. تعداد بیکاران  
انگلیس طی ۱۲ ماه گذشته بی درستی  
افزایش داشته بطوری که طبق آمار  
امپریالیستها در حال حاضر به رقم ۲/۵  
میلیون نفر یعنی ۱۰/۶٪ کل نیروی کار  
این کشور میرسد رقمی که در ۵۰ سال گذشته

بیمای بقه توصیف شده است.  
طبق گزارش وزارت کار بریتانیا  
طی ماه پیش ۲۲۱۹۱ نفر به تعداد  
بیکاران افزوده شده است.  
در بریتانیا بحران ژرفی است که  
پرولتاریائی جهان معنی نیروئی که  
دشواریهی بحران مذکور یعنی فقرو  
فلاکت ناشی از تورم و بیکاری را بر  
دوش می کشد با بد از راه کسب آگاهی  
و دانش طبقه ای و با طردا ندیشه های  
خائنه سرمایه داری فرمیستهای مشاطه گر  
سرمایه داری به تشکل انقلابی - طبقه ای  
خود دست یابند و غرضه های نویینی را در  
بیکارجهائی که روسرما به بگشاید.

وسیعاً "جرمان" داشت و کارگران غالباً در این مبارزات پیروزی شوند. در تهران مبارزات گسترده‌ای حول سودویزه در کارخانجات شکل گرفت. اعتصابات گسترده در اغلب کارخانجات جریان داشت که در مقایسه با سال گذشته بسی با بقیه بود. کارگران با اشکال متنوعی مبارزاتشان را پیش می‌بردند. برخی از کارخانجات با جلوگیری از خروج تولید نتوانستند به پیروزی برسند. اعتصابات گسترده در کارخانجات پارس الکتریک، لندور، سایپا، پارس متال، جم، تولی‌پرس، تولید دارو، کارخانجات زاگرس، فرش پارس، گوشه‌ها، می‌پارس، کارخانجات طبقه‌کارگر ایران است. در کارخانجات پارس الکتریک اعتصاب شش روزه کارگران، مدیران را به عقب نشینی واداشت. کارگران موفق شدند بخشی از سودویزه را بگیرند. در کارخانجات سایپا کارگران با وجود اعتصاب به دورویزه و کم‌کاری موفقیتی نداشتند. در کارخانجات پارس متال کارگران در دو نوبت دست به اعتصاب زده و به پیروزی رسیدند. در لندور اعتصاب کارگران به پیروزی انجامید. اعتصاب کارگران جم موفقیتی نداشت و بلاخره کارگران میا رزتولی پارس بمدایزیکهفته جلوگیری از خروج تولید، اعتصاب دو هفته‌ای را آغاز می‌کنند که با پیروزی آنها پایان می‌رسد.

در کارخانجات ترانس پیک، با طری سازی، فیلور، بلانسی را کارگران با جلوگیری از خروج تولید با موفقیت به بخشی با تمام سودویزه دست می‌یابند. کارگران فیلور در یک مبارزه طولانی پیگیری‌شان را بنمایش می‌گذارند. مبارزات کارگران در گروه صنعتی زامباد، ایران ترانسفو، دغاشیات، ارج، بنزخا، و جنرال موتورز، توانیر برق، جیت تهران و شهرک اکباتان با اشکال متنوعی از اعتراضات جمعی تا تشکیل مجمع عمومی، از کم‌کاری تا تهدید به اعتصاب بی‌مقصدی با بددراپین کارخانجات کارگران موفق می‌شوند. دو ماه دیگر سودویزه را در یافت دارند. در کارخانجات سیمان، بوستان کارگران با هدایت شورا موفق می‌شوند سودویزه را از چنگ دولت سرما به داران در آورند. آنها علیه اخراج مبارزه پیروز می‌شوند. اگر پیش می‌برند. نمونه‌های برجسته مبارزات کارگران در این مقطع مبارزات کارگران شرکت واحد است که برای دریافت عیدی و پاداش به اعتصاب انجامید. رژیم جمهوری اسلامی این اعتصاب را بنحور دیوانه‌ای در هم شکست. اعتصابات گسترده‌ای نیز در گروه صنعتی کفش ملی که در واحدهای



تاف - یونایتد، گابور، درختان و هوفمن شکل گرفت که در او خرافست به نظرات چند هزار نفری کارگران در - کارخانه منتج شد، و سرانجام در نتیجه شب بوسیله پاسداران سرما به درهم شکسته شد.

مبارزات کارگران شرکت واحد و کفش ملی که موفق به کسب حمایت توده‌های کارگروزمکنگان گردیدند چلی با رزی از رشد روز افزون جنبش کارگری در این مرحله است. در این دوره نقش سرکوب انجمنهای اسلامی در مبارزات کارگران بسیار برجسته است. انجمن‌ها علاوه بر این، در این دوره بر سر کسب قدرت با مدیران لیبرال کارخانجات شدت درگیری می‌شوند. ضمن آنکه اتحاد عمل استوار خود را با آنها برای درهم شکستن مبارزات کارگران، اخراج کارگران پیشرو و انقلابی، تشدید جوسد دمکراتیک در کارخانجات حفظ کردند، اما تضاد انجمن اسلامی با مدیران لیبرال که انعکاس تضاد دودرگیری‌های شدید دو جناح فدائی انقلابی حاکم، در کارخانجات است. در برخی از کارخانجات به تمویض مدیران لیبرال و جایگزینی مدیران مکتبی درون کارخانجات منتج گشت. گروه صنعتی کفش ملی نمونه‌ای از این نوع است. در همین راستا شورش‌های انقلابی در کارخانجات در روند مبارزه به نظارت و دخالت کارگری در امور کارخانه شدت بیشتری می‌بخشد. شورای گروه صنعتی کفش ملی، شورای شرکت صنعتی توفان، یوتان نمونه‌هایی از مبارزات این شوراهاست. رشد مبارزات کارگران در این دوره نیاز به سازمانیابی و شکل رادیکال کارگران تقویت می‌کند. بهمین جهت است که مبارزه بر سر سودویزه به چاره‌درجهت ایجاد شوراهای انقلابی منجر می‌شود. مبارزات کارگران پارس الکتریک، سایپا، اسکوشین، دارویی، با طری سازی، در زمهره، اینگونه مبارزات است.

با قاطعیت می‌توان گفت جنگ در این دوره در میان کارگران بفراموشی سپرده شده است. انعکاس تضادهای درون حاکمیت پیش از هر دوره دیگر

در کارخانه‌ها مورد بحث کارگران است. تنفرا از حزب جمهوری اسلامی بیش از هر زمان کارگران را در بر می‌گیرد. نحوه برخوردی صریح حزب جمهوری اسلامی سبب افزایش یا کاهش نوبت کارگران نسبت به وی می‌گردد. ضمن آنکه کارگران بیشتری نوبت را نسبت به او در میان می‌برد و لطمه‌ها در اندیجرات می‌توان گفت بیش از هر زمان شاعر و رهنمودهای کارگران پیرو در میان توده کارگران (از جمله سودویزه و کمیسیون تحقیق و...) مادیت یافته و بکار گرفته می‌شود. گرایش به سمت نیروهای انقلابی همچنان رشد می‌یابد.

اپورتونیزم در این دوره بمنظور خدمت به بورژوازی می‌کوشد. بنا بر این توده‌ها سرپوش ندهد. در واقع به گونه ترمزی در مقابل عمل مستقیم پرولتاریا می‌باشد. آنچه در این دوره برجسته بنظر می‌رسد اینست که مبارزات خودبخودی کارگران حتی از اندازه قابلیت شوراهای انقلابی که بدلیل فقدان اتحاد شوراها و قدرت چشمگیری برخوردار نیستند نیز فراتر می‌رود. در این مبارزات روح جنگنده، اشتیاق و نظم پرولتری در توده‌های کارگران افزایش می‌یابد. در برخی موارد آنها قطعی ترین و عمده ترین خواست خود را با انتخاب بهترین موقع مبارزه و مقاومت با شورش و شوق به پیش می‌برند. تداوم اعتصابات و افزایش مدت زمان مبارزه از ویژگی‌های مبارزات این دوره است. در این مبارزات کارگران بیش از پیش به درک آگاهانه این مطلب می‌رسند که تضاد اشتیاق نا پذیر بین منافع آنان و منافع طبقه سرما به دار و دولتشان وجود دارد.

خلاصه کنیم: عمومی ترین خواست کارگران در این مقطع سودویزه، عیدی و پاداش و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل است. اما کارگران دیگر انتخابات مجدد شورا، تشکیل شورا و جلوگیری از اخراج، مبارزه علیه جوخفقان و سرکوب جنبه دیگر مبارزات کارگران می‌باشد. شکل عده مبارزه در این مقطع نیز اعتصاب است که با شرکت فعالانه توده کارگران شکل می‌گیرد. کارگران بمیزان زیادی نسبت به گذشته تا کتیبه جلوگیری از خروج تولید را بکار می‌گیرند. در این دوره سرکوب مستقیم پاسداران بیش از هر دوره‌ای در پاسخ به خواسته‌های کارگران بیشتر می‌شود. بهمین دلیل مقابله جوشی و مبارزه علیه ارکانهای سرکوب شدت می‌یابد.

بپردا زتد، سعی دارند هر چه بیشتر در بین کارگران تفرقه ایجاد نمایند. بدینسان رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای عمومی ضد انقلابی خویش هر روز میکوشد بیش از گذشته و با اشکال و وسایل گوناگون حقوق کارگران را با بمال کند. اما کارگران میهنمان با اتحاد خویش و مبارزه بیگانه و انقلابی خود به مقابله با بورژوازی‌ها کم‌برخاستند و قوانین ویرانگر را اعتبار می‌سازند. آنها نشان خواهند داد که تنها قانونی را قبول دارند که حافظ منافعشان باشد.

فدکا رگریش را پیش برد، آنها میکوشند با دادن مقدار ناچیزی پول بر اساس "لیاقت و شایستگی" طبق معیار سرمایه داران که چیزی جز نظم و حرف شنوی و اطاعت و... غیره نیست، کارگران را از مبارزه با زداشته و هر چه بیشتر بر استعمار آنان با افزایش قدرت و اقدامات افزودن پول ناچیزی به دستمزد برخی کارگران تولید را افزایش دهند. میخواهند دست مدیران را با زیگدارند که با استفاده از پیمانان به تعدادی از کارگران وابسته به خود مزد ناچیزی برای پیشبرد سیاستها پیش

### بقیه از صفحه ۲ اضافه نکردن حداقل دستمزد

افزوده میشود... والسته این مسئله کمکی شایسته مدیران میکنند تا اگر کارگری خوب کار کرد، بتواند از او قدر دانند. (همانجا) بدین ترتیب است که می‌بینیم رژیم جمهوری اسلامی تنها به کاهش واقعی دستمزد کارگران اکتفا نکرده و قصد دارد با این وضع هر چه بیشتر سیاستهای





# شکست «رفراندم» اعلام نشده حزب

نیمه اول صفحه ۱

سی‌صد و بیست و یک نفر از آنجا شیکه کمیته نیرو-های شرکت کننده در این راهپیمایی منتهای نیروئی است که رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از تمام امکانات خود و حمایت سوسال خیانت پشیمان نوشت بسیج کند، از این رو ارتش با این حرکت، کمیت نیروهای شرکت کننده در آن ترکیب جمعیت تا حدودی میتوانند نگاه توده‌های رژیم و میزان توهانات توده‌ها را نسبت به هیئت حاکمه بویژه نسبت به جناح حزب جمهوری اسلامی نشان دهد.

آنچه که در راهپیمایی این روز چشم گیر بود، و در نخستین برخورد جلب نظر هرنه ظرف صحنه‌ای را می‌کرد عدم استقبال توده‌ها از این حرکت بود. دیگران آن - توده‌هایی که پس از اعلام هرنه راهپیمایی رژیم و فتوای آیت‌الله خمینی سبیل آسا بخیا با آنها می‌ریختند و با شور و هیجان زاندا الوصفی بهشتیانی خود را از رژیم جمهوری اسلامی اعلام می‌کردند خبری نبود. در تهران، مناطق جنوبی که اکثریت عظیم محنتکشان را در خود جای داده است آنچنان آرام و زندگی‌روال عادی خود را داشت که گویی هیچ مسئله‌نازای در میان نیست و این روز نیز هماهنگ و درو-های دیگر است. تعداد نیروهای که از مناطق جنوب شهر در این راهپیمایی شرکت کردند، بسیار ریسها را اندک و آن تعداد دقلیلی که شرکت کرده بودند، عمدتاً سازمان یافته و وابسته به حزب بودند. در مناطق غربی تهران نیز تعداد شرکت کنندگان در راهپیمایی آنچنان کاهش یافته بود که تاکنون بی سابقه بود. تنها جایی که میتوان گفت تا حدودی احساس می‌شده که توده‌ها گره بسیار محدود اما بهرحال محسوس در راهپیمایی شرکت کردند مناطق شرقی بویژه حداقل میدان خراسان و خیابان غیاثی تا میدان شهدا بود. در اینجا مردم در دسته‌های ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفری در حال راهپیمایی بودند. در مجموع فقدان علاقه توده‌ها به راهپیمایی رژیم و عدم شرکت گسترده آنها در این حرکت کاملاً چشم‌گیر بود و این نشان می‌داد که تا چه حد توده‌های مردم اعتماد خود را به رژیم حاکم از دست داده‌اند. ترکیب جمعیت نیز بخوبی این مسئله را نشان می‌داد. کارگران بهیچوجه علاقه‌ای به شرکت در این راهپیمایی از خود نشان نداده بودند. تعداد آنها در این راهپیمایی بسیار محدود بود. این امر که تا حدودی بسیار نگران‌کننده است و نفرتشان نسبت به رژیم موجود است. از شرایط سخت و دشوار زندگی آنها و فشارها کسی که رژیم جمهوری اسلامی به این طبقه وارد می‌آورد نمی‌مکورد. اوضاع وخامت با اراقتصادی و فشار آن بردوش توده‌ها بیش از همه بر زندگی کارگران تاثیر گذارده است و آنها را بیش از پیش از هیئت حاکمه دور نموده است. اکثر

نیروهای شرکت کننده را از سایر ترکیب طبقاتی نیروهای وابسته به جرد بورژوازی سنتی تشکیل می‌داد که بیشتر آنها از این شرقی و مرکزی شهران در راهپیمایی شرکت کرده بودند و تا حدودی نیز افراد وابسته به خرده بورژوازی بودند که اکثر آنها طرفداران راست اکثریت و حزب توده بودند و از مناطق شمال و غرب تهران در راهپیمایی شرکت کرده بودند. تشکیل می‌داد. آنچه در این روز بطور عمده چشم گیر بود جلب نظر می‌کرد، سازمان نیافتگی نیروهای شرکت کننده و توده‌های سیاسی سازمان نیست که خود بخود تاکنون در هر راهپیمایی شرکت می‌کردند. این نیروهای سازمان نیافته کسانی را تشکیل میدادند که اساساً "حول" مساجد سازمان ندهی شده و یا در دستگا‌های نظامی - بوروکراتیک وابسته به حزب قرار دارند. تعداد زیادی از نیروها را پاسداران، افراد عضو بسیج و فعالین انجمن‌های اسلامی و دیگر نهادهای وابسته به حزب همراه با خانواده‌هایشان تشکیل میداد. راهپیمایی ۱۵ خرداد اما نشان داد که اگر هنوز بتوان پایگاهی در میان توده‌ها برای رژیم حاکم جستجو کرد، در میان خرده بورژوازی سنتی است و تازه این میزان پایگاه و حمایت توده‌ای - بسیار ضعیف است. برخلاف ادعای بلندگویهای رژیم که تعداد راهپیمایان را در تهران ۲ میلیون نفر اعلام کردند و این دروغ شکار همواره با خنده و آداشته بود، بزرگت میتوان جمعیت را ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر برآورد کرد. در شهرستانها نیز وضع حزب و متحدین آن بمراتب وخیم‌تر از این بود. در مجموع میتوان گفت که در سراسر ایران تعداد راهپیمایان به کمتر از نیمی از رقم ۱۰ میلیون اعلام شده از سوی رژیم یعنی حدود ۴ میلیون نفر میرسد. اکنون میتوان از عدم استقبال و شرکت فعال توده‌ها در این راهپیمایی نتیجه گرفت که اینک بسیاری از توده‌های مردم که تا بدتوان گفت اکثریت توده‌ها را تشکیل میدهند، بیش از پیش اعتماد خود را نسبت به حاکمیت بویژه جناح مسلط آن از دست داده‌اند. گرچه بسیاری از کماتیکه‌ها در این حرکت شرکت نداشتند، طرفداران بنی‌صدر بودند، اما باید در نظر داشت که این بخش جمعیت نیز نه طرفداران وضعیت موجود، بلکه طرفداران بنی‌صدری هستند که در موضوع ایزوسیون قرار گرفته، و خود را مخالف وضعیت موجود نشان می‌دهند و وعده رفاه و آزادی بنوده‌ها می‌دهند.

بهرحال این شکست حتی برای گردانندگان مراسم نیز روشن شد، زیرا آنها که در راهپیمایی شعارها را با نشان مستقیم متوجه بنی‌صدر بود شعارها را نیز تکرار می‌کردند و بر پلاکاردها نوشته بودند که

## دو تا کتیک در بر خورد...

بقیه از صفحه ۲۰

کوبند. از شکست انقلاب سخن می‌گویند، اما شعارها را با انقلابی مربوط به جنبش دهفاتی، شعار دفاع از مبارزات خلق کرده، ترکمن، شعار خود مختاری شور را مطرح می‌کنند. اینها را نمی‌دانند که رابطه شکست انقلاب با تکتیکها و طرح شعارها در چیست یا میدانند، اما تا قضات و اسبها مات تئوریک آنها و تزلزلشان نگاه آنها را با این سوگنا ه بسوی دیگر برتاب می‌کنند. راه سومی وجود ندارد. ما نمی‌توانیم خود و دیگران را فریب دهیم - یا باید پذیرفت که انقلاب نیمه کاره باقی مانده، بنا بر این باید در تدارک اشکال کاملاً انقلابی جنبش بود، شعارها را با انقلابی را بیکباره مطرح کرد و تا کتیک تعرضی را برگزید و در راه انقلاب و تکمیل آن کار برداشت، یا باید پذیرفت که انقلاب دچار شکست قطعی شده، برگزید سیاسی بالئنه طولانی بر جنبش حاکم شده است، از این رو باید شعارهای انقلابی و تدارک فوری برای اشکال عالی - تر جنبش را بکنار نهاد، تا کتیک عقب نشینی و شیوه مبارزه قانونی را برگزید و در تطبیق با این شیوه مبارزه برگزید. این درسی است که لنین به ما می‌آموزد و کاملاً با شرایط کنونی ما منطبق است. موضع ما نیز روشن است، ما راه تداوم - انقلاب راه تکمیل آن را برگزیده ایم. شعارها را با انقلابی را طرح می‌کنیم و راستای فعالیت ما در این مسیر است، ما تا کتیک تعرضی را برگزیده ایم.

مضمون آن چنین بود "اینست رفاندم مردم پس از راهپیمایی سکوت اختیار کردند و بطور ضمنی به شکست خود اعتراف کردند. درسی که ما از این مراسم راهپیمایی روز ۱۵ خرداد باید بیاموزیم اینست که توده‌ها حقیقتاً از وعده‌های سربا دروغ - و نفرت انگیز سران جمهوری اسلامی خسته شده‌اند، آنها در تنگنای فقر و بدبختی، گران‌ترین و بیگانه‌ترین تجربه روزمره خود در یافته‌اند و با گذشت هر روز بیشتر در می‌یابند که جمهوری اسلامی، جمهوری خلق، جمهوری توده‌ها، جمهوری پاسداران منافع آنها و جمهوری اعمال اراده آنها نیست. توده‌ها بی می‌برند که جمهوری اسلامی آن جمهوری نیست که آنها در پی بنای آن بودند، این جمهوری، جمهوری سرمایه داری ریاکاران، دروغ‌پردازان، عوام فریبان، غارتگران و چپاولگران است. این جمهوری نمیتواند با سخاوتمندی نیازها و خواسته‌های توده‌های محنتکش میهن ما باشد. پس باید بیش از همیشه بر روی رضایتی توده‌ها از رژیم موجود تکیه کرد و راههای عملی برای کنار گذاشتن این نارضایتی عمومی را بسوی تکمیل انقلاب ارائه داد.

تور، شکنجه، زندان به نفع غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، به نفع زحمتکشان





### خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

دوری مسافت و مشکلاتی که اسرار سریع و زنده اخبار در نشریه "کار" ارگان مرکزی سازمان در بر دارد، تصمیم گرفتیم با انتشار خبرها به یوکان بتوانیم گامی در جهت انعکاس سریع و زنده اخبار در سطح منطقه برداریم.

اولین شماره این خبرنامه، حاوی خبر چنددرگیری پیوسته در میان قهرمانان جنبش مقاومت خلق کرد، مقاله ای با عنوان "در سبب آنکه از مبارزان زندان دولت سو باید موخت، ندا متناهی خاشین، گزارشی از اردوگاه پناهندگان عراق در جرم و نیز برخورد کوتاهی با دستگیری سمسد

بقیه در صفحه ۱۹

خبرنامه، نشریه خبری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - یوکان منتشر شد. رفقای یوکان در اولین شماره نشریه که تا ریخ چهارم خرداد در اردو مورد ضرورت انتشار این خبرنامه میگویند:

"انتشار روانعکاس وسیع اخبار جنبش مقاومت خلق کرد، یکی از وظایف میبرم نیروهای انقلابی میباشد تا از این طریق سایر خلقهای میهنمان در جریان مشکلات، دستاوردها و پیروزیهای جنبش مقاومت قرار گرفته و پیوند مبارزاتی توده های سرارو وطنمان علیه امپریالیسم و بیگانه داخلی اش مستحکم تر گردد. لذا بدلیل

### فرماندهان ارتش: پوسنل انقلابی از ارتش اخراج! شورای نگهبان: استخدام کارشناس (مستشار) خارجی آزاد!

با آغاز جنگ ارتجاعی میان دولتهای عراق و ایران سازمان ماودیکر سازمانهای انقلابی تا کنون کرده که یکی از اهداف بورژوازی ارتش در دامنه این جنگ خانمانوز عبارت است از بسازی و تقویت ارتش و سایر نیروهای سرکوبگر رژیم. امروز حکمتگشان میهن ما شاهدند که حاکمیت چگونه به پنهان دفاع از میهن سیل سلاحهای گوناگون امپریالیستی را بقیمت فقر و آفرین خلق و غارت ثروت های ملی به نفع امپریالیستها جاری کرده است.

نیروهای انقلابی بارها به خلق قهرمان ایران در باره اینکه رژیم ارتجاعی برای بکار انداختن این سلاحها و بسازی ارتش متخصصین و مستشاران نظامی خارجی را دوباره برای خدمت در ارتش دعوت خواهد کرد هشدار داده اند. از جمله اخیراً "هفته نامه مجاهد" نیز با انتشار رسدی این موضوع را بار دیگر تا کنون یاد کرده. در سند مذکور که تا ریخ ۹/۱۲/۵۹ صادر شده است شورای نگهبان با مصلاح قانون اساسی با استناد به ماده ۵۸ قانون دست بخت مجلس خبرگان بقیه در صفحه ۱۹

### گلوه؛ پاسخ رژیم جمهوری اسلامی به طالبین کار، مسکن، آزادی

روز اول خرداد، شخمی بنام ناصر محمد علی زاده محمدی، از جنگ زدگان آبادان که برای دریافت کمک مالی و گرفتن شغل به کمیته مرکزی مراجعه کرده بود، با تلک الملحه نگهبان کمیته کشته منود و وقتی تا ده اجرا و ما موریلین به جلسو کمیته میرسند، ما مورین انگار که هیچ اتفاقی نیفتاده، مشغول شستن خون مقتول از روی زمین بودند.

بقیه در صفحه ۱۹



پاسداران سرما به بار دیگر دست به جنایتی علیه نیروهای انقلابی زدند و رفیق فدائی، هوشنگ حنیفی را ترور کردند. رفیق هوشنگ حنیفی در قروه معلوم بود و بین مردم زنفوذ و محبوبیت بسیاری برخوردار بود. روز هفدهم اردیبهشت با موثر میکنت در یک جاده روستا شاهی حرکت میکرد که با پاسداران اقتصاد. پاسداران که در آنجا منتظرش بودند، او را ربودند و با خود به محل سپاه پاسداران قروه بردند، آن شب او را مورد شکنجه و ضرب و جرح قرار میدهند و صبح در همان جاده روستائی که دستگیرش کرده بودند، او را به شهادت میرسانند. با رسیدن خبر به خانواده اش، جمعیتی حدود دوهزار نفر در تشییع جنازه شرکت میکنند، جمعیت هنگامی که در جلوسالخانه جمع شده بود با اعتراض و شعار دادن نفرت خود را از اعمال پاسداران نشان میداد.

با رفیق هوشنگ حنیفی را که در راه - آرمان طبقه کارگر به شهادت رسیدگرمای میهاریم

### اعتصاب غذای زندانیان سیاسی - انقلابی در رژیم حامی زندانیان اربلند!

عده ای از زندانیان کمونیست زندندان کارون اهواز، در اطلاعیه ای که در تاریخ ۲۴ اردیبهشت داده اند ضمن اعلام اعتصاب غذا، خواسته های خود را به شرح زیر اعلام نموده اند:

- ۱- رفع بلاتکلیفی و رسیدگی به پیوندها
- ۲- جلوگیری از ضرب و شتم زندانیان توسط زندانیان
- ۳- عیادات حضوری، ۴- ورود کتابهایی که در باره ممنوع نیست به زندان، ۵- رسیدگی به وضع درمانی، بهداشتی و غذایی زندانیان.

ما ضمن حمایت از خواسته های برحق این زندانیان - که خواست اکثر زندانیان انقلابی ایران است - از همه مردم آگاه و مبارزمیهنمان و نیروهای انقلابی میخواستیم که ضمن محکوم کردن سیاستهای سرکوبگرانه رژیم و تلاش برای آزادی - زندانیان سیاسی - انقلابی ایران از خواسته های زندانیان سیاسی - انقلابی ایران دفاع کنند و سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی را محکوم نمایند.

رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه بی سرما نه وجود شکنجه در زندانهای ایران را انکار میکند، برای خرد کردن روحیه مقاومت و روزمنده زندانیان سیاسی - انقلابی به انواع و اقسام شکنجه های جسمی و روحی می پردازد. یکی از شکنجه های زندانیان انقلابی را در کتار و اکیها و کودتا چینه ویا در کنار زندان، و لنگردها، معتادین، فواحش و دیگر قربانیان نظام سرما به داری محبوس میکنند. بلاتکلیفی، کتک زدن، ملاقات ندادن و جلوگیری از ورود پاره ای از کتابها، زدیگر فشارها و تشییقاتی است که نسبت به زندانیان انقلابی اعمال میگردد. جمهوری اسلامی در حالی این تنگناها را برای زندانیان فراهم میکند که خود در شای انقلابیون زندانی اربلند اشک تمساح میریزد، اما بدیهی است که مبارزین زندانی در برابر این سرکوبگریها ساکت ننشسته، مبارزات خود را به اشکال مختلف ادامه میدهند از جمله در اعتراض به این اعمال ضد انقلابی رژیم

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر